



سائتر ایسم دمکراتیک صفحه ۶

رابطه ارگانیک جنبش دانشجویی با جنبش کارگری صفحه ۷

سوسیالیسم تنها زمانی تبدیل به نیرو می گردد صفحه ۸

به دفاع از اسماعیل گرامی صفحه ۱۰

آلبرت انیشتن، چرا سوسیالیسم صفحه آخر سیاست کنترل بر آبها در استرالیا صفحه آخر اطلاعیه سندیکای هفت تپه صفحه آخر

چرا انقلاب اکتبر پیروز شد

می گویند انقلاب اکتبر، جهان را در ده روز، چنان تکان داد که هنوزدر هر بحران عمومی سرمایه داری، اتاق های فکری امپریالیستی را می لرزاند. قدرتش در این بود که برای اولین بار در تاریخ بشریت، طبقه ای به قدرت سیاسی دست می یافت که مقدس ترین قانون جوامع طبقاتی، مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را باطل اعلام کرد و بنیادی ترین باورهای ماوراء طبیعی ادیان را زیر سوال برد. قدرتش در این بود دوران نوینی را آغازید که هیچ بودگان هر چیز می گردیدند و استثمار شوندگان و ستمدیدگان، آزادخواهان و برابری طلبان جهان را به میدان آورد تا بر خیزند و برای تحقق رویاهای اجدادشان، بردگان و لعنت خوردگان که نسل اندر نسل به خاک

رفته بود، مبارزه کنند. هیهات، هیهات که دشمنانش تن به شکست خود ندادند. جهان سرمایه داری و امپریالیستها پس از پیروزی انقلاب اکتبر با تمام نیرو از تجاوز نظامی و راه انداختن جنگ داخلی گرفته تا تسخیر دژ از داخل برای شکست آن تلاش کردند. از همان فردای پیروزی انقلاب اکتبر کلیساها، مساجد و کنیساها و رسانه های وسیع ضد انقلاب تا به امروز همچنان به دروغ پردازی و وارونه جلوه دادن واقعیات تاریخی در باره این انقلاب عظیم کارگری مشغولند.

اما این انقلاب اکتبر تنها ماند، به انقلاب جهانی گسترش نیافت. پرولتاریای به قدرت رسیده مجبور شد سر دو راهی انتخابی استراتژیک کند: انتخابی سخت برای صفحه ۲

معلمان در زیر سرکوب رژیم

از زمانی که آموزش و پرورش در ایران از شکل مکتبی به سیستم نوین علمی تغییر یافت و مدارس و دبیرستانها و دانشگاهها بوجود آمدند؛ مسئله آموزش و پرورش یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران بوده است. مشکلات سیستم آموزشی در ایران همیشه تحت سیاست دولت ها و رژیم های شاه و خمینی بوده است. معلمان همیشه از حداقل حقوق های دولتی برخوردار بوده اند و با اینکه تحصیل کرده هستند از اقشار ضعیف جامعه به حساب می آیند. اما مشکل فقط حقوق معلمان نیست. با اینکه طرح هایی برای استاندارد شدن حقوق ظاهرا وجود دارد طرح هایی از قبیل رتبه بندی یا اجرا نشده اند و یا به محاق فراموشی سپرده شده اند. در صفحه ۳

نظم نوین جهانی

با فروپاشی اتحاد شوروی، دولت آمریکا سرمست از این پیروزی از زبان رئیس جمهورش بانگ برآورد که ما خواهان نظم نوین جهانی هستیم. از آن تاریخ تا به حال سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مبتنی بر نظم نوین جهانی به مفهوم سرکرده گزایی بر کل جهان سرمایه داری و به زیر هژمونی خود کشیدن امپریالیست های جهانی بود. این نگاه یک جانبه گرایی که با کشت و کشتارهای فاجعه باری در عراق و افغانستان، یوگسلاوی و..... همراه بود اما نتوانست به اهداف خود برسد. رشد قطب های قدرتمند دیگر جهانی مانند کنفرانس شانگهای و اتحادیه اروپا جهان جدیدی را شکل داده و در حال تحکیم آن یعنی جهان سه قطبی بجای جهان دو قطبی

جنگ سرد است. آمریکا در اوایل حاضر به پذیرش این مسئله که دوران سرکرده گزایش به سر آمده و قطب های جدیدی با بازیگران جدید در صحنه بین المللی ظاهر شده اند که رهبریش را به چالش های سخت کشیده اند، نبود. رشد اوضاع اقتصادی و صف بندی های جدید این واقعیت را به امپریالیسم آمریکا تحمیل کرد. آمریکای سرمست زمانی این واقعیت را پذیرفت که اقتصادهای نوظهور در حد ۱۰ در صد دارای رشد اقتصادی بودند و آمریکا حتی قادر نبود به حد رشد برسد و تا چندین سال در حالت رکود و یا رشد کمتر از ۳ در صد بود. چین با شتاب حیرت انگیزی فاصله خود را با بزرگترین کشورهای معظم متروپل در سطح اقتصادی و تولید ناخالص ملی صفحه ۵

آلترناتیو کارگری چیست

۱- آلترناتیو کارگری آشکارا اعلام می کند در خدمت پرولتاریا و طبقه کارگر که رهایی اش در گرو رهایی کل بشریت است هدفش سوسیالیسم و کمونیسم که در آن جایی برای استثمار انسان از انسان و ستم نخواهد بود، می باشد. این راهیست سخت و بخرنج و در نتیجه در نبردهای پی در پی به مدت طولانی قابل تحقق است.
۲- آلترناتیو کارگری از جهانی بینی طبقه کارگر - مادی باوری تاریخی که پیشرفته ترین شناخت علمی تاریخ جوامع بشری است، پیروی می کند، مبارزه طبقاتی را نیروی محرکه تاریخ و تضاد طبقاتی را اساس تغییرات و نوسازی و نوآوری اندیشه ها را در عمل ضروری و دایمی در تلفیق اصول با شرایط مشخص می داند. صفحه ۶

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



چرا انقلاب اکتبر... بقیه از صفحه ۱

انترناسیونالیست‌های تمام عیار بود که دل به انقلاب جهانی بسته بودند و حالا می‌بایستی به یک واقعیت خلاف آرزوهای خود تن دهند. این چرخش در سیاست بلشویک‌ها ناشی از این بود که در عمل بر اثر جنگ داخلی تحقق شعار نان، آزادی و صلح به تأخیر افتاده بود. دهقانانی که به پشتیبانی بلشویک‌ها برخاسته بودند نتیجه‌ای را زود فرجام طلب می‌کردند و در عمل می‌دیدند که نه تنها زندگی‌شان بهتر نشده بلکه بدتر هم شده است. کارگران صنعتی که استخوانبندی حزب بلشویک را تشکیل می‌دادند، پیشروانشان به ارتش سرخ پیوسته بودند و در جنگ داخلی در راه کمونیسم جانشان را فدا کرده بودند و در نتیجه در صفوف توده کارگران هم که مسئله معیشتشان لطمه خورده بود در توانایی حکومت نوین در حل مشکلات شک و تردید بوجود آمده بود. حزب بلشویک یک پارچه راه ورود به فاز جدیدی معروف به نپ را برای ساختمان سوسیالیسم در یک کشور را انتخاب می‌کند. اما سرمایه‌داری جهانی تن به شکست خود نمی‌دهد اینبار در شکلی نوین فاشیسم و نازیسم سر در می‌آورد که هدفش نابودی کشور شوراهاست. تلاش برای مقاومت در برابر این تعرض نوین سرمایه به وظیفه مرکزی کل جامعه تبدیل می‌شود. هوشیاری حزب کمونیست شوروی در برابر این خطر جهانی و تدارک برای مقابله با تجاوز نظامی آلمان یکی از تعیین‌کننده‌ترین سیاست ریزی‌های دولت شوراهای بود که توانست در عمل در آستانه حمله هیتلر اتحاد شوروی را به نیرویی تبدیل کند که توانایی یابد با بسیج کلیه خلق‌های شوروی، نه تنها تجاوز را درهم شکند بلکه به قدرتی تعیین‌کننده در شکست فاشیسم در جنگ جهانی دوم تبدیل شود. فاشیسم شکست می‌خورد اما سرمایه‌داری اینبار در هئبیت آمریکائی پا به میدان می‌گذارد. چرچیل نخست‌وزیر انگلیس بود طی سخنرانی در آمریکا شیپور جنگ سرد را به صدا درمی‌آورد و مبارزه برای در هم شکست کمونیسم را بعنوان وظیفه مرکزی جهان سرمایه‌داری اعلام می‌کند. در اینجا بازمهم کشور شوراهای و کل پروتاریای جهان باید انتخاب کند. شوروی بار دیگر به سیاست دفاعی و تلاش برای نوسازی شوروی رومی کند و کل جنبش کمونیستی جهانی جز

معدودی را هم به این سمت سوق می‌دهد. حزب کمونیست چین و ویتنام و کره همچنان برای شکست دشمنان داخلی و خارجی خود مسلحانه ادامه می‌دهند و آنها نهایتاً پیروز شدند ولی کشور شوراهای به تسخیر سرمایه‌داری جهانی در آمد. ما در زیر نتایج عظیم تاریخی انقلاب اکتبر در جهان برای مردم ستمدیده و استثمار شده ایران، برای آترناتیو کارگری، برای کلیه نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیست و استقلال طلب با توجه به دوران تدارک انقلاب مورد بررسی قرار می‌دهیم. طبعن مسئله سوسیالیسم در یک کشور و اصولن روند ادامه انقلاب در شوروی، مبارزه درونی حزب بلشویک و بلاخره تسخیر دوباره قدرت سیاسی توسط بورژوازی دارای اهمیت است و باید در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد. در مقاله ما روی سه درس یا آموزش مهم تجربه انقلاب اکتبر انگشت می‌گذاریم و درعین حال یاد آور می‌شویم این تجربه انقلاب اکتبر است و نباید بدان برخوردی دکماتیک داشت. آنگو برداری در مرام ما جایی ندارد.

یکم نقش طبقه کارگر و حزب بلشویک در انقلاب روسیه تعیین‌کننده‌ترین مبارزه نظری در نیم قرن پیش از پیروزی انقلاب اکتبر در جنبش انقلابی و ضد نظام تزاریسم بر سر نقش طبقه کارگر در انقلاب در حال شدن بود. بزرگترین خدمت مارکسیسم به انقلابیون جوانی که از رژیم ارتجاعی تزاری به ستوه آمده بودند و با جانفشانی دست به ترور می‌زدند یا به روستاها برای بسیج دهقانان می‌رفتند و بر این باور بودند که می‌توان سرمایه‌داری را دور زد، درست دراین زمینه بود. پلخانف که لنین او را پدر مارکسیسم روسیه خواند، انقلابی جوان، پسر ارباب و مالک که علیه خانواده‌اش برخاست، نارودنیکو فعال که به گفته هم‌زمانش، به آنها خیانت کرد، به مارکسیسم گروید و پس از او لنین آترناتیو کارگری را در برابر دیگر آترناتیوهای ارتجاعی بورژوازی و خرده بورژوازی برای انقلاب کردن در روسیه پیش گذاشت. لنین در ادامه کار او در همان سالهای اولیه فعالیت مارکسیستی با بررسی تغییرات در جامعه روسیه و هجوم دهقانان به شهرهای بزرگ پس از لغو سرواژ و گسترش سریع تولید سرمایه‌داری و اغلب با سرمایه خارجی، نقش تعیین‌کننده طبقه کارگر را همچون پلخانوف در انقلاب برجسته کرد. سیزده سال مبارزه‌ای بی‌امان علیه گرایش‌های انحرافی مارکسیستی بود که بلشویزم توانست به پیروزی رسد. لنین جدال

نظری با نارودنیک‌ها را بر سر اصول کمونیسم و تلفیق آن به شرایط مشخص روسیه را روی سه نکته متمرکز کرد: نقش طبقه کارگر، اهمیت ساختن یک حزب پیشرو طبقه کارگر و بلاخره تعیین سیاست‌های درست که مورد قبول توده‌ها باشد. لنین تأکید کرد روسیه نمی‌تواند یگراست از یک جامعه دهقانی به یک جامعه سوسیالیستی ببرد. سرمایه‌داری در روسیه بسرعت در حال رشد و گسترش است و طبقه کارگر است که انقلاب سوسیالیستی در روسیه را ممکن می‌کند و طبقه کارگر رسالت به سرانجام رساندن چنین انقلابی را بعهده دارد. لنین طبقه کارگر را در مرکز کلیه فعالیت‌های سیاسی جامعه قرار داد و به پرسش چه باید کرد؟ با حل این مسئله نظری که پرولتاریا نیروی محرکه انقلاب روسیه است وظیفه انقلابیون یا سوسیال-دموکرات‌های آنزمان را مشخص کرد و سازماندهی کارگران به وظیفه عمده بلشویک‌ها تبدیل شد. لنین در جمع‌بندی از تجربه حزب بلشویک تأکید دارد که یکی از علل پیروزی حزب بلشویک تمرکز در مراکز کارگری، ایجاد استخوانبندی حزب از کادرهای کارگری بوده است.

دوم حزب بلشویک در مبارزه ساخته شد

پیش‌بینی پیروزی انقلاب در انگلیس و سپس در آلمان در زمانی که مارکس و انگلس زنده بودند اتفاق نیفتاد. سپس انقلاب در روسیه سرواژ، در جریان جنگ بین‌الملل امپریالیستی شکل گرفت و پرولتاریای جوان آن با تمام اینکه اقلیت کوچکی را تشکیل می‌دادند، با وجود آوردن تشکلات خود و برنامه‌ای منطبق با شرایط جامعه روسیه از طریق شوراهای کارگری توانایی یافت قدرت سیاسی را به کف آورد و پیروزی طبقه کارگر را به جهانیان اعلام دارد. انقلاب کردن امر آسانی نیست آنهم انقلابی کارگری که یک طبقه بناست طبقه‌ای چون بورژوازی را براندازد و بجایش نظام سوسیالیستی را بنشانند. زندگی ثابت کرد کاریست بخرنج، سخت و طولانی. طبقه کارگر ایران و احزاب طرفدار آن صد سال است با یک دوجین برنامه برای انقلاب کردن مبارزه می‌کنند اما هنوز بورژوازی سر کارست و با چنگ و دندان برای بقای خودش در قدرت تلاش می‌کند. در ایران ما معلوم شد نه تنها سرمایه از دست‌هایش چرک و خون می‌چکد بلکه شمشیر هم بدست دارد و کل دستگاه دولتی را با تمام نیرو علیه کارگران و آترناتیو اجتماعی آن بکار می‌گیرد.

انقلاب در روسیه بازمهم سخت‌تر بود چون



کادرهای صنعتی و علمی و تکنیکی را پرورش می دهد ولی سهمش از بودجه دولتی بسیار پائین بوده و در عوض نهادهای ایدئولوژیک و نظامی امنیتی رژیم بیشترین بودجه دولتی را می بلعند.

. به آمارهای زیر در رابطه با آموزش و پرورش و نهادهای مذهبی به مثابه مقایسه ای اجمالی از نهادهای اجتماعی توجه کنید

”به گزارش تسنیم،

رقم کل بودجه ۱۳۹۹، ۱۹۸۹ هزار میلیارد تومان است

آمار از روند رو به رشد جمعیت دانش آموزان کشور در سال پیش رو حکایت دارد به گونه ای که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تعداد دانش آموزان کشور ۱۵ میلیون و ۶۱۳ هزار و ۵۴۶ نفر است

بودجه آموزش و پرورش برای سال ۹۹، ۵۷ هزار و ۱۲۲ میلیارد تومان تعیین شد، مسئولان این وزارتخانه از درخواست اختصاص ۷۳ هزار میلیارد تومان خبر داده بودند.

بودجه نهادهای مذهبی سایت رادیو فردا

جمع بندی بودجه این پنج مرکز ”جامعه المصطفی العالمیه“، ”سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی“، ”مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی“، ”مجمع جهانی اهل بیت“ و دانشگاه متعلق به آن به اسم ”دانشگاه بین المللی اهل بیت“ که عمدتاً در زمینه تبلیغ شیعه در خارج از ایران، تربیت طلبه های خارجی و فعالیت های فرهنگی مذهبی ماموریت دارند و بازوی تبلیغاتی «دولت شیعه» محسوب می شوند، نشان می دهد که مجموع بودجه آنها در سال ۱۳۹۹ به بیش از ۶۴۱ میلیارد تومان می رسد.

این پنج مرکز شامل حوزه علمیه قم و مشهد و دیگر شهرها و نیز حرم معصومه در قم و آستان تولیت در مشهد و وزارت ارشاد اسلامی و نهادهای مذهبی متعلق به آیت الله ها نیز نمی شود. با توجه به بودجه این نهادها از طریق گوناگون بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومان است

بودجه های یک دولت نشان از سمت سوی کار و مدیریت بارآوری و نگاه مدیران جامعه به آینده است.

سایت برترین ها

بر اساس جدول اعلام شده برای بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۰، بودجه مصوب نهایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۰، هزار و دویست و پنجاه و پنج میلیارد تومان است”

تزاریسم توانستند پیوند خود در درجه اول با طبقه کارگر و توده ها حفظ کنند و این کار را با دفاع همه جانبه از خواست های مشخص آنها تحقق بخشیدند. آنها مناسبات خود را چون لب و دندان با کارگران برقرار کردند خواست های پراکنده توده ها را جمع آوری کردند و با بکاربرد تئوری عام و روش تحلیلی ماتریالیسم دیالکتیکی سیاست های عام که خواست مشترک اکثریت عظیم را در برداشت مطرح کردند. کارگران و توده ها در یافتند که بلشویک ها از منافع آنها دفاع می کنند و پیشنهادهایشان به نفع آنهاست. چنین است سومین تجربه حزب بلشویک.

خلاصه کنیم و ببینیم این سه نکته به ما چه می آموزد. آلترناتیو کارگری برای گسترش پایه های تشکیلاتی خود کجا باید کار کند، چگونه حزبی را در درون مبارزه بوجود آورد و مهمتر چگونه سیاستی را پایه ریزی کند که مورد قبول اکثریت عظیم کارگران و توده ها باشد.

محسن رضوانی

معلمان در زیر سرکوب.... بقیه از صفحه ۱

طی بیش از ۴ دهه رژیم اسلامی حداکثر فشار خود را برای اسلامی کردن آموزش و پرورش از طریق حضور فیزیکی آخوندها در مدیریت و به عنوان معلم و کمک معلم، تاریخ سازی تقلبی به نفع جریان اسلام در ایران و جهان، وارد کردن احکام و ایده های مذهبی در درس از روز اول ورود به دبستان تا پایان تحصیلات دانشگاهی، اجبار حجاب برای کودکان دختر در مدارس و بطور خلاصه ضد علمی کردن محیط آموزشی و جاسوسی کردن از معلمان و غیره، انجام داده است. مشکلات دیگری هم وجود دارد از جمله کمبود مدارس و کلاس های درسی با استانداردهای مناسب و ناشی از آن شلوغ بودن کلاس ها در شهرها و وضعیتی بسیار بدتر در مناطق روستایی و اسفناک در مناطق مرزی.

یکی از مشکلات کنونی ضعف و پائین بودن بودجه آموزشی کشور نسبت به نهادهای دیگر است. با اینکه نظام آموزشی بیشترین

در آثار مارکس و انگلس زیاد چیزی در باره روسیه پیدا نمی شد. جز در نامه ای به یک مارکسیست روسی از مارکس که اشاره ای گذرا دارد که انقلاب در روسیه را هم محتمل می داند. در نتیجه انقلابیون می بایستی طی آزمون و خطا، کورمال کورمال با جانفشانی راه را هموار سازند. هنگامی که تمام کوشش های گرایش های خرده بورژوازی برای اصلاحات و رفرفرم از بالا بجایی نرسید، هنگامی که لغو سرواژ به سود مالکان ارضی و به بی خانمانی و فقر و گرسنگی دهقانان منتهی شد، هنگامی که دسته دسته طرفداران ترورهای شخصی دستگیر شدند و به جوخه های اعدام سپرده شدند و طرح نارودنیکها برای عبور از جامعه دهقانی به سوسیالیسم با مقاومت خود دهقانان روبرو شد، گور کن سرمایه بدست خود حاکمان و سرمایه داران داخلی و خارجی با گسترش سریع سرمایه داری بطور متمرکز بوجود آمدند و متشکل شدند. در این شرایط است که کمونیسم علمی وارد مسلح کردن صفوف پیشتازان محفل های جوانان انقلابی می شود، چون همی از درون می ترکاند و راه نوینی را که طبقه کارگر در آن دخیل است به کل جنبش ارائه می دهد. از اینجا ببعده تا پیروزی انقلاب اکتبر سیزده سال طول می کشد و در این دوره است که لنین خلاقانه مارکسیسم را با شرایط مشخص دوران تغییر یافته تطبیق میدهد. باید به کار ستارگ لنین در این دوره را رجوع کرد تا پی برد که چرا طبقه کارگر روسیه توانست به خود باوری طبقاتی خود پی برد و قبل از اینکه لنین در کمیته مرکزی حزب بلشویک پیشنهاد حمله به کاخ زمستانی تزار را بدهد، گارد سرخ شوراها را کارگری در پائین نهادهای دولتی و قدرت را بدست گرفته بودند و درست بدین خاطر یکی از رادیکالترین انقلابات در تاریخ بشر با کمترین خونریزی به پیروزی رسید.

سوم سیاست درست به نیروی مادی توده ها تبدیل شد.

دو تجربه گرانبهای بالا که لنین بعنوان شرط پیروزی انقلاب اکتبر می داند را با سومین شرط و در حقیقت مهمترین آنها که نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشت را تکمیل می کند. انقلاب امر توده هاست، بدون زنان و مردان یک جامعه انقلابی نمی تواند به سر انجام رسد. این از جهانی بینی ماتریالیستی کمونیستها مایه می گیرد و یک اصل اساسی در اندیشه مارکسیستی است. بلشویک ها نه در حرف بلکه در عمل تحت نظام سرکوبگر



دیگر جنبش‌های زحمت‌کشان و عدم پیوند با طبقه کارگر صنعتی نتوانسته است به این خواست‌ها برسد. در بین فعالین معلمان دو نظر وجود دارد: نظری که مسائل معلمان را صنفی می‌بیند و می‌خواهد از طریق چانه زنی و مذاکره با حاکمیت نه با حداکثر بلکه حتی بخش کوچکی از خواست‌هایش دست پیدا کند و نظر دیگری که می‌داند بدون نزدیکی به جنبش کارگری و پیدا کردن متحدین نزدیک اجتماعی خود و همکاری متقابل امکان رسیدن به خواست‌های معلمان بدون قدم به بیرون از حیطه محدود صنفی خود گذاشتن غیر ممکن است.

در شرایط کنونی بعد از مدتها تلاش در زندان و کف خیابانها وقتی رژیم مجبور به دادن امتیازی به کارگران و معلمان و بازنشستگان می‌شود، مدتی بعد از طریق گران کردن کالاها و یا تصویب تبصره‌های قانونی آنها را کد گذاشته و یا پس می‌گیرد. این ضعف جنبش‌های اجتماعی فقط می‌تواند در همکاری نیروها و فعالین آگاه بویژه با جنبش کارگری جواب بگیرد. روشن است که جنبش معلمان بایستی در حیطه صنفی خود فعالانه عمل کند اما توهم اینکه با صرف فعالیت های محدود صنفی دسترسی به خواست‌های اساسی معلمان امکان پذیر است خود به عدم رسیدن به خواست صنفی کمک می‌کند. برخی از فعالین جنبش معلمان با تکیه به این نقطه نظر که بتوان با کمک به اصلاح طلبان مشکلات را حل کرد سعی دارند که خود را به اصلاح طلبان نزدیک کرده و یا خود به عناصر اصلاح طلب تبدیل شده‌اند، این در حالی است سازمان‌ها و عناصر اصلاح طلب با تمامی تسلیم طلبی شان به جناح اصولگرا و اصلی حاکمیت نتوانسته‌اند به خواست بسیار اولیه خود برسند. بطور مثال ما اگر بتوانیم به تحقق آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی نایل شویم آنوقت نه تنها فعالین معلمان بلکه تمامی زندانیانی که در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی و دفاع از کارگران و زحمت‌کشان و دیگر فرودستان اجتماعی دستگیر شده‌اند، آزادی خود را باز خواهند یافت.

رشد جنبش کارگری در شرایطی که یک رژیم سرمایه‌داری مذهبی ضد کمونیست و مرتجع به مدت ۴ دهه بر سرکار است، نشان از پی آمدهای ساختار اجتماعی طبقاتی ایران است هر جنبشی که خود را در راستای تلاش برای رسیدن به خواست‌های محقانه و عدالت

از جمله فعالین معلمان هیچ جرم قانونی موجود نیست ولی احکام سالها زندان تحت عنوان توهین به مقامات، تشویش اذهان عمومی و امنیت ملی، صادر شده است که هیچ وجه قانونی نداشته و حتی وکلای فعالین هم که به این نوع احکام اعتراض کرده‌اند، خود به زندان افکنده شده‌اند. کانون صنفی فرهنگیان که تا به حال فعالیت های خوبی داشته است و توانسته که اعتصابات بزرگی را در بیش از ۴۰ شهر سازماندهی کند. بسیاری از خواست های معلمان بسیار به خواست های مزدبگیران و حقوق بگیران دیگر اجتماعی نزدیک است. به همین دلیل روند رسیدن به این خواست‌ها جدا از ویژگی‌های صنفی در تطابق فعالیت‌های صنفی و حقوقی قرار دارد. در قانون اساسی آموزش و پرورش جزء خدماتی است که بایستی بصورت همگانی و رایگان در اختیار همه بویژه جوانان گذاشته شود. سالهاست که جمهوری اسلامی قوانین اساسی خود را هم در بخش‌هایی که به نفع‌اش نباشد اجرا نمی‌کند و همگانی و رایگان بودن آموزش هم یکی از آنان است. مدارس انتفاعی و غیر انتفاعی دیگر امر ناشناخته‌ای در ایران نیست. حتی در مدارس دولتی والدین دانش آموزان به صورت‌های مختلف مجبور به پرداخت پول تحت عناوین گوناگون هستند. خصوصی شدن مدارس یکی از مشکلات معلمان برای اجرای طرح رتبه بندی می‌باشد. قبلا معلمان دارای حقوق پایه و رتبه بندی مشخص بر اساس سنوات خدمت بودند، ساعات کاری بطور تقریبی مشخص بود و معلمان امکان برنامه ریزی زندگی خود را داشتند ولی بهم ریختگی در سازمان وزارت آموزش و پرورش و دخالت‌های بیجای باندهای مختلف رژیم در امر آموزش حتی توازن زندگی معلمان را تحت شعاع خود قرار داده است. امنیتی کردن فضای درخواست‌های معلمان در برابر فساد گسترده در صندوق ذخیره فرهنگیان

درخواست‌های معلمان: بیمه کار آرا حق مسلم معلمان است، اجرای طرح رتبه بندی، انحلال خصوصی سازی آموزش و پرورش، جدایی خرافات از آموزش و دروس، توقف ورود دستگاه‌های مذهبی از آخوندها و حوزه‌ها علمی گرفته تا غیره به مدارس، اصلاح قوانین دولتی و افزایش حقوق متناسب با زندگی انسانی. برای رسیدگی به این خواست سالهاست که معلمان کشور دست به اعتراض زده‌اند. ولی بدلائل متعدد از جمله متحد نبودن فعالین جنبش معلمان، عدم نزدیکی به

با محاسبه و جمع دو آمار رادیو فردا و خبرگزاری تسنیم کل بودجه سازمان های مذهبی ۲۰۰۰ میلیارد تومان است که ظاهرا کمتر از ۲ درصد کل بودجه دولتی را شامل می‌شود که اساسا هیچ نقش مثبتی در جامعه نداشته و فقط به تربیت یک قشر انگلی به نام روحانیت و مذهب کمک می‌کند. یک چنین طبقات فاسد و انگلی در جامعه که خیلی مورد نفرت مردم هستند، چگونه هنوز بر اریکه قدرت سوار هستند؟ در برابر آن نزدیک به یک پنجم ایران که دانش آموز هستند با بودجه ای به مراتب کمتر از حتی کشورهای همسطح با ایران تحصیل می‌کنند. مقایسه آموزش پرورش در ایران با کشورهای اروپایی ۱ به ۳ و گاه کمتر است. در کشورهای دیگر سرمایه داری بودجه برای نهادهای مذهبی همه ساله لحاظ می‌شود و آنها دارای ردیف بودجه های مخصوص به خود هستند ولی در مقایسه با ایران ۱ به ۱۵ است. یعنی هر چه نقش مذهب در دستگاه دولتی قوی تر باشد نقش علم و دانش ضعیف تر است. در حالیکه بسیاری از کودکان بویژه در مناطق مرزی کشور حتی دارای مدرسه ابتدائی نیستند ولی ما شاهد بودجه های عظیمی برای تربیت آخوند از دیگر کشورهای جهان هستیم، که نه تنها هیچ بازده تکاملی برای جامعه ندارد بلکه به مانعی در راه رهایی نه تنها مردم ایران بل خاورمیانه تبدیل شده است. از همین نگاه مهاجرت هزاران تحصیلکرده به خارج از کشور و عدم امکان کاریابی مناسب برای آنها و خالی شدن کشور از متفکران و روشنفکران و تحصیلکرده ها هم در ادامه سیاست های رژیم جمهوری اسلامی مفهوم و معنا پیدا می‌کند. آموزش و پرورش هم یکی از عملکردهای جامعه بشری در حیطه علم است اما بعلت طبقاتی بودن جامعه علم موجود در خدمت طبقات حاکم قرار گرفته و بار طبقاتی بخود می‌گیرد. در این مفهوم دخالت جمهوری اسلامی در امور علمی دقیقا با منافع طبقاتی سرمایه داری و مالکیت خصوصی همخوانی داشته و معتضین به سیستم های آموزشی در ایران با بیکاری و بازنشستگی زود هنگام و باز خرید و اخراج و زندان و شکنجه و یا بی حیث کردن شخصیتی روبرو هستند.

در حال حاضر دهها تن از فعالین جنبش معلمان از جمله آقایان عبدی، بداقی، حبیبی، قاسم زاده و دهها تن دیگر از فعالین در زندان و یا دارای پرونده و منتظر اجرای حکم هستند. در اکثر پرونده‌های فعالین اجتماعی



مناسبات نابرابر انسانی و اجتماعی در همه ابعادش خسته شده‌اند. در بیشتر نقاط جهان نفرت از حاکمین بورژوا بشدت افزایش یافته و همراه خود تقابلات اجتماعی را دامن زده است. حتی در کشورهایی که سالهای طولانی به عنوان استثمارگران و امپریالیست‌ها بزرگ شناخته می‌شدند دیگر خبری از اقتصادهای شکوفا و دولت‌های رفاه نیست. بورژوازی به تمامی گرایش به گندیدگی خود در مناسبات اجتماعی را نشان داده است. نظام کنونی نظم فقر و بدبختی و بردگی نوین، نابرابری زن و مرد، نظم سرکوب و اعدام و شکنجه و رقابت‌های افسار گسیخته اقتصادی، اشغالگری و ویران کردن کشورها، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، نظم دخالت در کشورهای ضعیف، نابرابری، ناعدالتی و... است. نه تنها پرولتاریای بین‌المللی بل حتی مردم فقیر و زحمت‌کش جهان هم از دست نظم سرمایه به تنگ آمده‌اند. بسیاری از آنها بعلت سرکوب و نداشتن آگاهی کافی به دنبال ناجی برای رهایی هستند. اما ناجی‌های تاریخ قادر به رفع درخواست‌های مترقی مردم نبودند. ناجی‌ها و شخصیت‌های حتی مترقی به تنهایی قادر به درک و حل مناسبات جهان پیچیده کنونی نیستند. برای رهایی احتیاج به جمعی متفکر، آگاه و علمی که بتوانند با رهبری و شرکت مستقیم توده‌ها و با پرچم روشن سوسیالیسم استحکام یک دولت پر قدرت پرولتاریایی را سازمان دهی کند، است. نظم نوینی که در راه است خود به خود به مقصد نخواهد رسید، اگر کمونیست‌ها و طبقه کارگر نتوانند نقش تاریخی خود را در این روند تاریخی ایفاء کنند.

ع.غ

فروپاشی شوروی فرو پاشید اما نظم نوین جهانی آمریکا هنوز شکل نگرفته از بین رفت اما نظم نوینی در جهان در حال شکل‌گیری است. در کوتاه مدت می‌توان به آسانی نظام چند قطبی را که در حال حاضر به تحکیم بازارهای اقتصادی و سیاسی خود مشغول هستند، مشاهده کرد. ولی نظم فراتر از رقابت گروه‌های معظم مالی و ابرقدرت‌ها در حال فرا رسیدن است و آن نظامی که بورژوازی از آن بشدت وحشت دارد. این وحشت آنچنان است که هر سال میلیاردها دلار صرف اسلحه و زندان و اعدام می‌کند. از تمامی قدرت تبلیغاتی و تکنولوژیکی خود بهره می‌گیرد تا جلوی کمونیسم را بگیرد. برای جلوگیری از کمونیسم، حمله به تاریخ مبارزاتی کارگری در هر کشور مشخص و نیز در کل جهان با توسل به نفی کامل، باز سازی می‌شود. رهبران پرولتاریا از مارکس تا مائو به شدت مورد حملات ایدئولوژیک سیاسی قرار می‌گیرند. اما مسیر تاریخ را نمی‌توان با این فشارها و سرکوب‌های فکری و فیزیکی از حرکت باز ایستاند. بورژوازی توسط نمایندگان فکریش پایان تاریخ را اعلام کرد. تئوری پایان تاریخ می‌گوید که سرمایه‌داری بهترین است و هیچ نظامی بهتر از آن نخواهد آمد. جنگ‌های عراق و لبنان و فلسطین و افغانستان نشان داد که سرمایه‌داری یکی از سرکوبگرترین نظام‌های تاریخ است و هنوز پایان تاریخ مبارزه طبقاتی فرا نرسیده است. اما تاریخ مبارزه طبقاتی به پایان خود نزدیک شده است. سوسیالیسم به مثابه یک نظام نوین اجتماعی چندین بار برای تغییر جهان کنونی تلاش خود را با ده‌ها انقلاب و فداکاری انجام داده است. از بین رفتن سوسیالیسم نه به مفهوم شکست آن بلکه به مفهوم تلاش اولیه ای است که بعلت تجربه و محدودیت تاریخی قادر به پیشروی نشده است. سوسیالیسم دیگر یک فکر تازه و جدید نیست طی بیش از یک صد سال کسب تجربه امروزه تمامی جنبش‌های مستقل اجتماعی مهربی از کمونیسم برخوردارند. افکار سوسیالیستی که در دوره‌ای در سازمان‌ها و احزاب سوسیالیستی و کمونیستی جریان داشت، امروز به یک پرچم اعتراض و تغییر در مبارزات مترقی اجتماعی در جهت عدالت اجتماعی و آزادی از قید ستم و استثمار، تبدیل شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که اوضاع سخت و بورژوازی در حال تهاجم به طبقه کارگر و کمونیست‌ها در حالت دفاع و مقاومت هستند. در عین حال مردم جهان از

طبقه می‌بیند نمی‌تواند در میان این دو طبقه جامعه یعنی کارگر و سرمایه بایستد. جنگی که مدتها آغاز شده است. پیروزی این مبارزه طبقاتی و رهایی نه تنها معلمان و بازنشستگان و فرودستان اجتماعی بلکه تمامی جامعه در گرو این همبستگی و مبارزه تحت پرچم مترقی و پیشروترین طبقه اجتماعی علیه ستم و استثمار است. نباید اجازه داد که رژیم اسلامی از جوابگویی نسبت به خواست‌های معلمان شریف و آزاده در اقصا نقاط کشور شانه خالی کند. خالی شدن صندوق‌های مالی و دزدی از آنها و عدم رسیدگی به خواست‌های معلمان نمی‌تواند پی‌آمدهای بعدی را نداشته باشد. این روند مدتی است که شروع شده است.

آزادی تمامی فعالین معلمان
جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش
حق داشتن تشکلات مستقل
آموزش رایگان و همگانی

مهران پیامی

نظم نوین جهانی... بقیه از صفحه ۱

کم کرده و در حال گذار از آنها بود. چند سال بعد از آن هند پیگیرانه و با فاصله زیاد در حد ۵ تا ۹ درصد به رشد اقتصادی دست یافت. البته این رشد در سطح کل جهان اینک و آنهم بعلت شیوع ویروس کرونا کمی کاهش یافته است.

آمریکا که امیدوار بود بعد از شوروی یکه‌تاز میدان در عرصه جهانی شود و مدیریت سیاسی و سازمان‌های اقتصادی و نظامی را در سطح کل جهان کنترل کند، متوجه شد که عملاً در حال افول به نیرویی درجه دوم و در آینده شاید به نیروی درجه سوم و چهارم است. تلاش اوپاما و ترامپ و اینک بایدن برای تغییر این مسیر در ساختارهای بین‌المللی عملاً با مخالفت اتحادیه اروپا و کنفرانس شانگهای روبرو شد. اما تا امروز هم دولت بایدن در عین جمع کردن برخی از پایگاه نظامی آمریکا در منطقه سعی دارد که با کنار کشیدن از درگیری‌های بی مورد تمرکز را برای تحدید چین و روسیه بطرق مختلف اعمال کند. نتیجه آن جمع و یا محدود کردن پایگاه‌های نظامی در برخی کشورهای جهان و مشخصاً خاورمیانه و صف آرائی در دریای چین است.

نظام دو قطبی جهان دوران جنگ سرد با

به تارنما های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مردم کنیز

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com

نفی گرایی در جنبش کمونیستی یک ایده پاسبیستی است



آلترناتیو کارگری... بقیه از صفحه ۱

۳- آلترناتیو کارگری عمل و تجربه را اساس شناخت قرار میدهد و روشننگری را توأم با ستیزه‌گری، تئوری را همراه با عمل، دعوت عام را با دعوت مشخص، مرکزیت را بر اساس دموکراسی شورایی به پیش می‌برد.

۴- آلترناتیو کارگری با نقد مادی باوری دیالکتیکی، گذشته را بطور مستمر و بارها جمع‌بندی می‌کند و از کل جنبش کارگری و کمونیستی جهان در برابر نفی‌گرایی و انحلال طلبی خرده بورژوازی دفاع می‌کند و مبارزه ایدئولوژیک میان دو خط مشی را از ضروریات برای پیروزی پرولتاریا می‌داند.

۵- آلترناتیو کارگری وفادار به شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" در خدمت سازماندهی همه جانبه نیروی کار و زحمت، از سطح کارخانه تا موسسات و خدمات، محلات و شهرک‌های متمرکز کارگری طبق شرایط مشخص صنعت، تمرکز نیروی کار، سطح آگاهی کارگران، توازن قوای طبقاتی و... در اتحادی سراسری است، از کوچک به بزرگ، از سطح اولیه تک لایه تا سطح چندلایه ای، از مقاومت های مشروع اولیه تا دفاع همه جانبه در برابر خشونت سلطه برای رهایی است.

۶- آلترناتیو کارگری با جمع‌بندی از تجارب دوران تاریخی آگاهانه طبقاتی بر این باور است که در ایران برای پیروزی بر دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی احتیاج به کادرهایی است در میان طبقه کارگر و دیگر جنبش های توده‌ای که قادر شوند برای مدت طولانی سازماندهی پایدار کارگری را هدایت کنند، با تلفیق کار مخفی و علنی توانایی احیا و رشد نیروهای خود را در برابر ضربه‌های امنیتی داشته باشد. ایجاد چنین تشکیلاتی آن سازمان پیشرو پرولتاریایی است که امروز به ضرورتی مبرم در برابر طبقه کارگر ایران و کمونیست‌ها قرار داد.

۷- آلترناتیو کارگری چترتست بدست طبقه کارگر برای پوشش کلیه نیروهایی که امروز در جامعه مورد استثمار و ستم قرار دارند و برای صفی توده‌ای، از پایین در کف خیابان‌ها؛ از زنان، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، بیکاران و.....

سائترالیسم دمکراتیک

مدتی است که سازمان های سیاسی نسبت به چگونگی پیشبرد سائترالیسم دمکراتیک و نقاط مثبت و منفی آن مسائلی را مطرح کرده‌اند که گاه تا نفی سائترالیسم دمکراتیک و حزب کمونیست پیش می‌رود و نیز برخی نیز سائترالیسم دمکراتیک را براساس عملکرد گذشته سازمان‌ها، تئوری توجیه مرکزگرایی می‌دانند. سازمان و احزاب کمونیستی در برخورد های اخیرشان کمتر مسئله اصول سازمانی گذشته به مفهوم تبعیت همه از رهبری و همه از کمیته مرکزی را مطرح کرده‌اند و بیشتر از کار شورایی و مجامع عمومی برای تصمیم گیری یاد می‌کنند و انشعاب را راه حل برای اختلافات و مشکلات تشکیلاتی نمی‌دانند و معتقد هستند که انشعاب یکی از عوامل مخرب در جنبش کمونیستی - کارگری ایران است که متأسفانه اکثرًا تحت عنوان اصول انجام گرفته است ولی به نتایج نادرستی و ایجاد شرایط بدتری برای کمونیست‌ها در ایران انجامیده است.

انشعاب به افیژه شدن سازمان‌ها و احزاب کمونیستی کمک کرده است و این در شرایطی است که جنبش کارگری در ایران در شرایط به مراتب بهتری از گذشته قرار دارد. انشعاب و جدایی هرگاه بر اختلاف در اصول انقلابی بوده است به رشد و گسترش بیشتر کمک کرده است. اما در چند دهه اخیر ما با روند رشد و گسترش سازمان‌ها و احزاب کمونیستی روبرو نبوده‌ایم (بطور بسیار کوتاه و مقطعی و موردی استثنا هستند) اما در طی چند دهه اخیر جدایی و انشعاب به ضعیف شدن و جدایی بیشتر از توده‌ها منجر شده است. این جدایی‌ها باعث بی‌اعتمادی و دل‌سردی کادرها و نیز عدم اعتماد توده‌ها به بیشتر سازمان‌ها و احزاب جنبش کمونیستی انجامیده است. دلایل این همه جدایی که ظاهراً در مقطع جدایی در شکل تضاد تشکیلاتی خود را نشان می‌دهد در چیست. جواب صحیح مارکسیستی به این نوع بحران‌ها بدین مفهوم نیست که ما می‌توانیم ریشه‌های جدایی و انشعاب را در جنبش کمونیستی و کارگری سریعاً بخشکانیم، دلیل آنهم مبارزه شدید طبقاتی و نفوذ ایده‌های خرده بورژوازی در بین طبقه کارگر در جهت انهدام و انحلال صف مستقل مبارزه طبقاتی کارگران در مبارزات و مصاف‌های طبقاتی است.

ایده‌های خرده بورژوایی چگونه تأثیرات خود را بر بحران‌های جنبش کمونیستی می‌گذارند؟ این ایده بصورت دگماتیسم، سوژکتوئیسم، اندیودوالیسم، شخصیت پرستی، ترس از عدم چشم انداز پیروزی و شک نسبت به اطرافیان، تار و یا بیهوده دیدن آرمانها و اصولی که بر سر آنها مبارزه ای طولانی شده است، بلاخره کماندیسم خود را نشان می‌دهد. البته مبرهن است که در یک سازمان توده ای حضور افکار و نقطه نظرات متفاوت امری غیر معمول نبوده و مبارزه بین دو خط مشی همراه تا پیروزی سوسیالیسم و گذار به جامعه کمونیستی موجود خواهد بود. حل درست این اختلاف نظری را جنبش کمونیستی بصورت نقطه نظری و پراتیکی حل کرده است و آن سائترالیسم دمکراتیک است. متأسفانه در برخی از سازمان‌های سیاسی امر سائترالیسم دمکراتیک محکم بدست گرفته نشده است و برخی بجای تصحیح آن به نفی نوع سازماندهی پرولتاریا در حیطه تشکیلات رسیده‌اند.

سائترالیسم دمکراتیک آنجا که بصورت اصولی و صحیح انجام گرفته است نشان داده است از کارآیی بالایی در عرصه سالم سازی تشکیلات، سازماندهی اختلافات تشکیلاتی و سیاسی بدون جدایی و انشعاب و زندگی رفیقانه تشکیلاتی، برخوردار است. اگر به اختلافات درونی حزب کمونیست ایران برگردیم، می‌توان این سؤال را مطرح کرد چه عواملی باعث شده است که چرخ های تشکیلاتی به سختی حرکت کنند و رهبری با درک آن نتواند مشکل را حل کند. بدون دخالت جانبدارانه از اختلافات می‌توان چند مسئله‌ای را که در جنبش کمونیستی مطرح است در این موضوع هم مشاهده کرد:

۱- عدم اجرای دقیق سائترالیسم دمکراتیک
۲- ارزیابی نا درست و تجربه اندوزی از دیگر سازمان‌های سیاسی جهت پیشبرد مبارزه طبقاتی ۳- عدم مبارزه اصولی مبارزه دو خط در درون تشکیلات.

در اوضاع و شرایط کنونی خواست جنبش کمونیستی توقف جدایی و انشعاب و تلاش برای وحدت بیشتر جنبش کمونیستی در جهت ترسیم خط مشی همه جانبه در جنبش کمونیستی با همکاری یکدیگر؛ این خواستی است که بسیاری از فعالین کارگری و روشنفکران ایران از ما انتظار دارند. رهبری صحیح و با درایت این اختلاف و رسیدن به وحدت بالاتر می‌تواند به یکی از مشکلات کنونی جنبش کمونیستی - کارگری پایان دهد.



کنند، لذا جا دارد خواست‌های صنفی و مدنی بصورت قانونی و علنی باشد، بدین ترتیب هیچگونه نیازی به مخفی کاری نیست. مهم ایجاد شوراهای است شورای کارگری، شوراهای معلمین، شوراهای دانشجویی و غیره است.

سازماندهی شوراهای چگونه خواهد بود؟ شوراهای در محل‌های کار ایجاد می‌شوند، این شوراهای با شوراهای مربوط به صنف خود از طریق کانال‌های مجازی و ایجاد جلسات علنی می‌توانند براضی در مورد مبارزات در چارچوب قانونی تصمیم‌گیری کنند و هماهنگی ایجاد نمایند. اینجاست که شوراهای مربوط به هر صنفی شورای مرکزی خود را بوجود می‌آورد، خواست‌ها و مبارزات مربوط به آن را به صورت سراسری هدایت مینماید و با جنبش‌های کارگری ارتباط ارگانیک برقرار مینماید. هم‌اکنون بحث‌ها به تفصیل در مورد پیوندهای ارگانیک جنبش‌های صنفی و مدنی جریان دارد. مسیری که در این بحث‌ها به پیش می‌رود، مهم است که به شوراهای مرکزی نتیجه شوند. امید است که چنین شود. این حرکت به هیچ وجه مخالف ایجاد سندیکاهای نیست چرا که سندیکاهای نیز جزئی از بدنه جنبش‌اند و قادرند در ارتباط و هماهنگی با شورا نقش پر اهمیت و با ارزش خود را ایفا کنند. طبعاً برای ارتباط ارگانیک و به صورت سراسری نیاز به تدارک است. چنین سازماندهی زمان خود را می‌طلبد و از کوچک به بزرگ به پیش می‌رود، اما آنچه اهمیت دارد تلاش بی‌وقفه است و راز موفقیت در پیگیری و تلاش بی‌وقفه است. نکته دیگری که در جنبش‌ها و مبارزات صنفی و مدنی اهمیت دارد، حمایت و پشتیبانی وسیع به جهت کمی است.

ویژه‌گی‌های جنبش دانشجویی کدامند؟ هر جنبشی ویژه‌گی‌های خود را دارا است، همین‌طور جنبش دانشجویی، اما در مورد ویژه‌گی‌های جنبش دانشجویی کمتر صحبت شده است. دانشجویان از اقشار و طبقات مختلف هستند، طبعاً آنان که در فقر و با مشکلات مالی فراوان زندگی را به گونه‌ای می‌گذرانند، طبعاً نمی‌توانند فرزندان خود را به هر اندازه با استعداد و علاقمند به تحصیل علم باشند به دانشگاه بفرستند. اینان حتی نمی‌توانند فرزندانشان را به مدرسه بفرستند. گاهی دانشجویان برای اینکه از عهده هزینه تحصیل خود برآیند و به خانواده فشار نیاورند، ضمن تحصیل کار می‌کنند. این دانشجویان خود و خانواده‌شان زیر بار سنگین هزینه

رابطه ارگانیک جنبش دانشجویی با جنبش کارگری

چند شب پیش کلاب‌هاوسی به بحث در مورد جنبش‌های دانشجویی و ارتباط ارگانیک بین جنبش دانشجویی و جنبش کارگری پرداخته بود. در این اتاق به تفصیل در این مورد صحبت شد. جلسه بسیار خوب برگزار شد و نظرات از زاویه‌های مختلف و گاهی نیز متفاوت مطرح گردید.

جنبش دانشجویی بنظر ویژگی‌های خاص خود را دارا است و اکنون مرا بر آن داشته است نظر خود را به صورت مکتوب ارائه دهم.

زمانی که حزب کمونیست واقعی در درون جامعه، با درک تئوری‌های مارکسیستی و در تلفیق با شرایط ویژه جامعه از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در پیوند با مبارزات کارگری و جنبش‌های مردمی قادر به رهبری جنبش‌ها موجود باشد، مشکلی نخواهد بود. اما زمانی که در جامعه خلاء حزب کمونیست وجود دارد و استبداد بال‌های شوم خود را بر جان و مال و زندگی مردم سرزمین ما گسترانیده است و هر روز فقر، اعتیاد، تن فروشی روبه فزونی است، آزادی بیان که برای هر انسانی بالاترین ارزش است، در چنین شرایطی دست نیافتنی است، در زمانی که این اوضاع وخیم و نابسامان همچنان جریان دارد، مردم نجیب و صبور مجبورند به ضروری‌ترین احتیاجات خود فکر کنند و خم شوند. آنان چیزی برای از دست دادن ندارند و اکنون دیگر کارد به استخوانشان رسیده است. اکنون مبارزات صنفی و مدنی کارگران، معلمان، زنان و دانشجویان در ابعاد نسبتاً وسیعی همچنان در جریان است، اما آنچه که غایب است ارتباط‌های ذهنی در جهت بالا بردن آگاهی و بدنبال آن سازماندهی این جنبش‌ها و کمک به ایجاد مبارزات یکپارچه و سراسری در کشور است. خوشبختانه امروز ارتباط‌ها از طریق فضاهای مجازی، بگونه‌های مختلف و از طریق کلاب‌هاوس‌ها ممکن گردیده است که خود مدیون تکنولوژی پیشرفته است. در این شرایط نیازی به تشکلهای مخفی نیست در بهترین حالت مهم است فعالیت‌ها به صورت علنی و با هدایت شوراهای انجام پذیرد. حاکمان به قوانینی که خود در مجلس خودکامه جمهوری اسلامی تصویب نموده‌اند تاکنون بدان عمل نکرده‌اند و نیز قادر نخواهند بود به آن عمل

جنبش کمونیستی برای پیشرفت خود بایستی در سطح وسیعی با درک اختلاف نظرها به خط مشی متحدی دست یابد در غیر این صورت طبقات غیر پرولتری همانطور که تا به حال قطب حاکم جامعه بوده‌اند و طبقه کارگر و فرودستان جامعه را مورد استثمار و ستم و بهره‌کشی قرار داده‌اند همچنان با سرکوب علیه هرگونه تغییر خواهند ایستاد و جنبش کارگری - کمونیستی قادر نخواهد شد که با درهم شکستن دولت سرمایه‌داری سدهای رهایی طبقه کارگر را بگشایند. ما بایستی بر اصول سانترالیسم دمکراتیک، وحدت تشکیلات‌های کمونیستی، گفتگوی رفیقانه برای رسیدن به اصول مشترک و وحدت و نیز محکم به دست گرفتن سمت و سوی مبارزه علیه بورژوازی بخاطر سرنگونی آن و بخاطر سوسیالیسم پای بشاریم.

نمی‌توان از وحدت و تشکیلات کارگری صحبت کرد ولی حزب را در مبارزه دو خط مشی شرکت نداد و بجای آن فراکسیون‌ها را نشانند. ما بایستی سانترالیسم دمکراتیک را در امر تشکیلات به مفهوم جهان بینی پرولتاریا بخاطر امر سازمان دادن محکم بدست بگیریم مائوتسه دون در رابطه با شیوه‌های کار با توده‌ها در تشکلات می‌نویسد: " این شیوه سانترالیسم دمکراتیک است شیوه مشی توده‌ای، نخست دمکراسی، سپس مرکزیت، کسب از توده‌ها و اعاده آنها (از توده‌ها به توده‌ها) و نیز " انتقاد و انتقاد از خود یک شیوه است، شیوه‌ای برای حل تضادهای درون خلقی" و یا " مرکزیت چیست؟ قبل از هر چیز تمرکز ایده‌های صحیح" (در باره سانترالیسم دمکراتیک - مائوتسه دون

ما بدون گسترش دمکراسی در عین برخورداری از مرکزیت قادر به ایجاد و رشد سازمان‌های طبقه کارگر نیستیم. و این مهم بدون اعمال سانترالیسم دمکراتیک به شیوه صحیح امکان پذیر نیست.

پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست واحد و سرتاسری

پیش به سوی وحدت جنبش کمونیستی بجای جدایی وحدت کنیم بجای سازش مبارزه فعال دو خط را جلو ببریم

مهران پیامی



دانشگاه پشتشان خم شده است. برخی از دانشجویان به علت عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های تحصیلی ناچار به ترک تحصیل‌اند. دیده می‌شود که دانشجو همه واحدهای درسی را گذرانده است، اما به خاطر عدم توان تسویه مالی با دانشگاه ناچار است تحصیل را رها کند. این وضعیت برای پدران و مادرانی که هزینه کرده‌اند و اکنون دیگر توان مالی به آنها اجازه نمی‌دهد که فرزندشان بتواند پایان‌نامه‌اش را ارائه دهد و مدرک نهایی را از دانشگاه دریافت کند بسیار دردناک است. پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی "دانشگاه‌های آزاد اسلامی" در هر شهر بزرگ و کوچکی مانند قارچ از زمین سر بر آوردند، رفسنجانی ادعا کرد که در هر نقطه دانشگاه درست میکنند که علم و دانش را در کشور اشاعه دهد، در حالی که هدف ایجاد دانشگاه‌های آزاد اسلامی یک نوع سرمایه‌گذاری بوده است. از یک طرف با دریافت هزینه‌های بالا از دانشجو و از طرف دیگر پرداخت دستمزدهای پائین به استادان که اغلب نیز این دستمزدها به عقب می‌افتد، سود بیشتر نصیب این صاحبان سرمایه می‌شود.

با همه این احوال مبارزات دانشجویی در دانشگاه‌ها تنها به خواست‌های صنفی و مدنی ختم نمی‌شود، بلکه فرا تر از آنست. آنها شعارهای سیاسی را مطرح می‌کنند. دختران دانشجو بر ضد ستم‌های مضاعفی که بر آنان روا می‌شود شعار می‌دهند. دختران بر ضد تبعیض‌های جنسیتی که در دانشگاه‌ها تحت عنوان قوانین اسلامی اجرا می‌شود شعار می‌دهند. امروز جوانان و به ویژه دانشجویان مبارز سیاست‌های آموزشی را قبول ندارند و بر ضد آن شعار می‌دهند. دانشجوی رشته حقوق نمی‌تواند قوانین غیر انسانی را که در دانشگاه می‌خواهند بزور بخورد او بدهند بپذیرد. همینطور رشته‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی، هنر، اقتصاد و... دانشجوی جستجوگر است، دائماً تحقیق می‌کند و امروز خوشبختانه با وجود اینترنت تحقیقات خود را پی می‌گیرد به دستاوردهای جدید می‌رسد او نگاهی به جلو است.

گاهی این سوال مطرح می‌شود: "در دانشگاه ایجاد شوراهای دانشجویی امری موقتی است و دانشجویان پس از اتمام تحصیلاتشان دانشگاه را ترک می‌کنند، آیا می‌توان انتظار داشت رابطه‌ای ارگانیک بین جنبش دانشجویی و جنبش کارگری ایجاد شود؟"

در جواب به سوال بالا خوبست به چند نکته اشاره داشت:

۱) در هشتاد سال گذشته دانشجویان هر زمان با شعارهای سیاسی برخاسته‌اند و بنوعی پیا پی خواست‌ها، زنده و بنوعی پیوسته بوده است. دانشجویی که آگاه است زمانی که دانشگاه را ترک می‌کند در هر شغلی که باشد جنبش‌هایی که در محل کارش جریان دارد نه تنها به آن می‌پیوندد، بلکه نقش موثری را ایفا می‌کند به طوری که وجودش در وجود جنبش تنیده است. ۲) شوراهای دانشجویی از هم گسسته نخواهند شد، چراکه همه دانشجویان باهم فارغ‌التحصیل نمی‌شوند جنبش دانشجویی و شوراهای دانشجویی به گونه دو امدادی تداوم می‌یابد. یکی فارغ‌التحصیل می‌شود همزمان دانشجویی جدیدی به دانشگاه وارد می‌شود و جای او را پر می‌کند. در این هشتاد سال گذشته دانشجویان بگونه‌ای پیش‌تاز عمل کرده‌اند و اغلب مبارزات از دانشگاه‌ها آغاز شده است. دقیقاً به همین دلیل خمینی پس از به قدرت رسیدنش در یکی از صحبت‌هایش چنین می‌گوید: "خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه‌ای بدتر است ..."

جنبش‌های دانشجویی دانشجویان در این هشتاد سال در برابر حکومت‌های خودکامه پیش‌تاز بوده است، اما نقش پیشرو را کارگران آگاه و آنهایی که در کارخانه‌ها حضور دارند و استثمار سرمایه‌داران را با همه وجود خود لمس می‌کنند خواهند داشت. پیوند جنبش‌های دانشجویی با جنبش کارگران امری مهم و بسیار جدی است. دانشجویان پر شور، جوان و شجاع نیاز به قرار گرفتن در تحت رهبری طبقه کارگر دارند. امروز کارگران و رهبرانشان راه درست مبارزه را یافته‌اند و دانشجویان با توجه به سواد و آگاهی‌شان مطمئناً به چنین نتیجه‌گیری خواهند رسید. کلاب‌هاوس‌ها و بحث‌های دانشجویان نوید دهنده چنین حرکتی است.

ارتباط ارگانیک بین جنبش دانشجویی و جنبش‌های کارگری چگونه برقرار می‌شود؟ ۱) هم اکنون متخصصانی که تحصیلاتشان را در دانشگاه‌ها به پایان رسانده‌اند همراه با کارگران در کارخانه‌ها مشغول بکارند.

۲) همانطور که در بالا به آن اشاره شد شوراهای دانشجویی به صورت تشکلهای علنی و دموکراتیک در دانشگاه‌ها همچنان پایدار باقی میمانند. این شوراهای جنبش‌های دانشجویی را هدایت می‌کنند و دقیقاً همین

شوراهای هستند که به خوبی ارتباطی ارگانیک با شوراهای کارگری برقرار خواهند کرد و در جنبش‌های حق طلبانه و درکار کارگران باقی خواهند ماند و با جنبش کارگری پیوندی ارگانیک، زنده و همه جانبه برقرار خواهند نمود.

لیلا

سوسیالیسم تنها زمانی تبدیل به نیرو می‌گردد

سوسیالیسم تنها زمانی تبدیل به نیرو می‌شود که

جدیداً رژیم جمهوری اسلامی موضع بالاتری در برجام اتخاذ کرده است و از طریق گروه شانگهای به عنوان عضو رسمی قبول شده است. کشتی‌های نفتی ایران قوانین تحریم‌های اقتصادی آمریکا را آشکارا علیه خود و کشورهای متحد نادیده می‌گیرد و از قدرت نظامی خود برای تهدید و تحکیم حرکات سیاسی خود در منطقه سود می‌برد. ترک نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان موضع ایران را تحکیم هم کرده است و ایران برای ترک عراق آمریکا را تحت فشار از طریق نیروهای نیابتی خود گذاشته است. ایران در ماه گذشته اپوزسیون کرد را تحت حمله نظامی قرار داد و سیاست تهاجمی را نسبت به بیرون از مرزهای خود به کردستان عراق کشید.

اما کشورهای بزرگ منطقه خاورمیانه در حال تلاش برای سهم خواهی بیشتر از این خلاء سیاسی اقتصادی است که شرایط کنونی بوجود آورده. حوادث در خاورمیانه در حال تغییرات بزرگ است. این تغییرات ناشی از جنبش‌های وسیع اجتماعی و نیز رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و گروه بندی‌های مالی است که تأثیرات خود را بر خاورمیانه هم گذاشته است. خاورمیانه به میدان عریبه کشی کشورهایی با حکومت‌های اسلامی تبدیل شده است که خود نماینده رذالت پیشگی و کشت و کشتار مردم خود هستند. و از ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی افراطی بهره می‌گیرند. دیگر جمهوری‌های اسلامی هم رنگ می‌بازد و امارات اسلامی و خلیفه گری جای خود را به لفاظی‌های جمهوری خواهی پان



اسلامیست‌ها می دهد.

در سطح بین‌المللی دولت‌های سرمایه‌داری به فاشیسم گرایش دارد و در سطح منطقه‌ای و با توجه به تاریخ هر کشور حکومت‌های پیرامونی به ارتجاع بیشتر. در واقع نیروهای راست در سطح جهانی طی دو دهه گذشته بیشتر به جلوی صحنه و مبارزه طبقاتی علیه طبقه کارگر بین‌المللی و سوسیالیسم رانده شده‌اند. بورژوازی بربریت خود را به عیان به نمایش گذاشته است. گندیدگی سرمایه امپریالیستی سالهاست که جهان را به طرف غارت و ویرانی کشانده است.

در عین حال وضع اقتصادی بویژه برای طبقات تہی دست اجتماعی هر روز بدتر شده است. قیمت کالاهای اساسی بصورت ساعتی افزایش می یابد و با سرعتی کارگران و زحمت‌کشان جامعه را هر چه بیشتر به زیر خط فقر می کشد. بحران اقتصادی فاصله‌های طبقاتی را هرچه بیشتر و عمیق‌تر کرده است. بسته بودن سیستم اجتماعی از جمله نبود آزادی‌های فردی آنچنان فشار روانی بر عموم توده‌های مردم آورده است که آمار خودکشی بشدت بالا رفته است. قشرهای فرودست در زیر فقر کمر خم کرده‌اند، تحصیل‌کردگان و روشنفکران بدنبال راهی برای فرار از جهنمی هستند که رژیم برای مردم بوجود آورده است. ولی این توضیح اوضاع برای تغییر شرایط کنونی کافی نیست. دلیل آن‌هم آن نیرویی که می تواند کل ساختارهای ستمگرانه و استثمارگرانه ما را زیر و رو کند و انقلابی در روابط اجتماعی پدید بیاورد هنوز به یک آلترناتیو اجتماعی تبدیل نشده است. ایده‌ها وقتی که به ایده‌های اجتماعی توده‌ها تبدیل می شود قادر به تغییرات خواهند شد. در واقع این گفته که بدون تئوری انقلابی هیچ انقلابی نمی تواند موجد باشد همچنان درست بودن خود را نشان می دهد. آیا کمونیسم علمی با این که در بین کارگران و بسیاری از توده‌ها شناخته شده است آیا به ایده‌های آنان برای تغییر تبدیل شده است؟ با اینکه کمونیسم امر رهایی اکثریت جامعه است ولی چه عاملی مانع رشد این ایده بصورت توده‌ای شده است. ایده‌هایی که با منافع اکثریت مردم تطابق و همخوانی دارد. آیا تبلیغ و ترویج کمونیستی در جامعه بصورت درست صورت گرفته است. آیا احزاب چپ قادر شده‌اند که جدا از تبلیغ یعنی مبارزه سیاسی، کار ترویجی و ایدئولوژیک را سازماندهی کنند و جلو ببرند اساساً جنبش کمونیستی خواهان

رفتق به این سمت و سو است و یا آنرا فقط در حیطه مبارزه سیاسی می بیند و آنرا به آینده‌ای نامعلوم حواله داده است؟ امروزه در بین برخی از سازمان‌های سیاسی کار ترویجی و ایدئولوژیک به یک نکته منفی تبدیل شده است در نتیجه برای تغییر بنیان‌های فکری کارگران و زحمت‌کشان که زیر بار و فشار خرافات مذهبی و بورژوازی و ناسیونالیستی به پاسیویته و یا جراه می روند عملاً کاری انجام نمی گیرد و همه چیز تحت این گفته مهم "هر مبارزه‌ی طبقاتی (بی شک) مبارزه‌ی سیاسی است" توجیه می شود. کمتر به کار در زمینه ایده‌های فلسفی و شیوه‌های علمی و ضد خرافی علیه حاکمیت بورژوازی توجه می شود. مذهب و ایده‌های بورژوازی به اشکال گوناگون براساس زمینه‌های اجتماعی گذشته، "پایان تاریخ" را اعلام می کنند. تا بتوانند ستم و استثمار را توجیه فلسفی و فکری بنمایند. ارتجاعی‌ترین افکار و ایده‌های در قالب‌های نوین فیلم و سینما و موسیقی و داستان و خبر و اینترنت و شکل‌های فریبنده بطور مستمر و بی وقفه در حال افکار سازی هستند.

امروزه با توجه به شرایط اجتماعی و طبقاتی در ایران جامعه به لحاظ مادی برای انقلاب سوسیالیستی آماده است. طبقه کارگر بعد از چندین دوره طولانی سرکوب، قدم به قدم در راه سازماندهی مبارزاتی خود بشکل گسترده می باشد، اما هنوز نتوانسته است که نیروی انقلابی را برای انجام این انقلاب سازمان دهد. هنوز طبقه کارگر از نبود سازمان‌های مستقل طبقاتی وسیع رنج می برد، هنوز حزب کمونیست سرتاسری و واحد خود را ندارد، هنوز جنبش کارگری - کمونیستی از وحدت و انسجام کافی درونی برخوردار نیستند. روی دیگر این رویارویی در جامعه رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران است که نتوانسته است با برپایی دار و زندان و شکنجه جامعه را به سکوت گورستانی وادار نماید. مقاومت تا پای جان رهبران کارگری، معلمان و دیگر فعالین اجتماعی نشان از سرسختی کارگران و زحمت‌کشان ما برای تغییر دنیای کنونی دارد. امروزه شناخت و انتقاد از سیستم سرمایه‌داری دیگر مختص کمونیست‌ها نیست بلکه اکثریت توده‌های زحمت‌کش و فرودستان جامعه نگاهی کاملاً انتقادی به آن دارند در نتیجه تربیت فکری توده‌ها همچون گذشته دشوار نیست بویژه دنیای مجازی و تبادل ارتباطات بیش از پیش به رو شدن و افشای اهداف و

عملکردهای سرمایه‌داری در ساختارهای سیاسی و اقتصادی و ... کمک کرده است. اما بهتر و مترقی بودن سوسیالیسم به همین درجه در جامعه گسترش نیافته است و یا اگر در برخی گروه‌های اجتماعی مانند دانشجویان و یا روشنفکران و رهبران و فعالین اجتماعی رسوخ کرده ولی هنوز ابعاد توده‌ای نگرفته است. روشن است که سوسیالیسم بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و هر دولت دیگر سرمایه‌داری قادر به انجام نیست. کارگران و کمونیست‌ها و فرودستان جامعه می توانند به مدت‌های طولانی بخاطر در خواست‌های خود دست به تظاهرات و اعتراضات بزنند اما این هنوز پایان کار نیست. مبارزه برای درخواست‌های صنفی در عین اینکه درست است بخشی از کل مبارزه اجتماعی برای تغییر سیستم سرمایه‌داری به سیستم سوسیالیستی است. این بخشی از مبارزه اردوی کار علیه سرمایه برای درهم شکستن دولت سرمایه‌داری و از بین بردن کار مزدی است. ولی این مبارزه بایستی از چهار چوب یک مبارزه صنفی فراتر رفته و به اشکال سیاسی در سطح کل جامعه گذار کند. ماندن در حیطه درخواست‌های صنفی یعنی وارد زمین بازی سرمایه‌داری شدن و عملاً برآورد نشدن همان درخواست‌های صنفی در سیستم‌های موجود. مسئله نابودی قدرت دولتی سرمایه‌داری تحت رهبری طبقه کارگر اولین قدم برای رسیدن به سوسیالیسم است در این راه بدون توجه به تبلیغات کرکننده سرمایه‌داری علیه طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا، کارگران با برپایی دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختن سوسیالیسم گام‌های اساسی بر می دارند.

در جامعه ایران تقریباً بدون رشوه و پارتی بازی کارهای روزانه و دولتی انجام نمی گیرد و رشوه تحت عنوان شیرینی به عنوان یک عمل فاسد کننده جامعه به امری عادی تبدیل شده است، مثلی است که می گوید "آخوندها دست‌هایشان در جیب ماست". همین فساد روزمره در زندگی اجتماعی نشان داده است که سیستم دیگر کارآیی خود را از دست داده است. سرمایه‌داری دیگر قادر به برداشتن قدم‌های دیگر در ایجاد عدالت اجتماعی نبوده و هر روز این فساد، نا عدالتی و نابرابری در حال تشدید است. جامعه به آنچه را که نمی خواهد نسبتاً آگاهی دارد ولی اینکه چه چیزی را بایستی جایگزین کرد دارای روشنائی کافی نیست. تبلیغات بورژوازی علیه سوسیالیسم و دست آوردهای عظیمش در زندگی بشریت از



دلایل، باید متوجه بود که در مسایل انسانی نقش علم و روش‌های علمی را نباید بیش از اندازه جلوه داد؛ نباید تصور کرد که نخبگان تنها کسانی هستند که در مسایل مربوط به ساختار جامعه حق ابراز عقیده دارند. مدتهاست که بسیاری میگویند جامعه بشری از یکدوره بحرانی عبور میکند، که جامعه ثبات خود را از دست داده است. ویژگی چنین شرایطی است که در آن افراد نسبت به مجموعه‌ای که بدان تعلق دارند، کوچک یا بزرگ، احساس بی تفاوتی یا حتی تنفر کنند. برای اینکه منظور خود را روشن کنم، تجربه‌ای شخصی را برایتان بازگو میکنم. اخیراً با دوستی تحصیل کرده و روشنفکر درباره خطر جنگی دیگر صحبت میکردم، که بنظر من میتواند موجودیت بشریت را جدّاً به خطر اندازد. نظر من این بود که تنها سازمانی فراملیتی میتواند جلوی این خطر را بگیرد. این دوست در واکنش به صحبت من، با خونسردی کامل، گفت: « چرا اینقدر با نابودی نسل بشر مخالفی؟ » مطمئنم که یک قرن پیش هیچ کس به این سادگی چنین چیزی را نمی‌گفت. این دیدگاه فردی است که در تلاشی بیهوده میخواهد آرامش و توازن درونیش را حفظ کند در حالیکه امیدش را از دست داده است. بیان دردناک تنهایی و انزوایی است که این روزها بسیاری از آن رنج می‌برند. دلیل چیست؟ راه برون رفت کدام است؟ طرح چنین پرسشهایی آسان است و یافتن پاسخ قانع کننده برایشان دشوار. اما من تلاش میکنم که، در حد توانم، به این پرسشها پاسخ دهم، هرچند میدانم که کوشش و احساسات ما اغلب در تضاد با هم هستند و آنان را نمیتوان با فرمولهای ساده بیان کرد. انسان موجودی منفرد و درعین حال اجتماعی ست. بعنوان فرد، میکوشد از وجود خود و نزدیکانش حراست کند، امیال شخصی خود را برآورده سازد، و تواناییهای درونیش را پرورش دهد. بعنوان موجودی اجتماعی، میکوشد که محبت و مقبولیت دیگر انسانها را بدست آورد، در لذتهایشان شریک شود، مونس غم‌هایشان باشد، و در بهبود زندگیشان بکوشد. شخصیت ویژه هر فرد با این تمایلات گوناگون و اغلب متضاد شکل میگیرد و ترکیب خاص آنهاست که درجه موفقیت هر فرد را در دستیابی به آرامش درونی و سهم وی در بهبود جامعه را روشن میسازد. ممکن است که قدرت نسبی این دو تمایل، در نطفه، با وراثت معین شود. اما شخصیتی که در نهایت شکل میگیرد، تا اندازه زیادی، تحت تأثیر محیطی است که

آلترناتیو کارگری، آلترناتیوی از اکثریت عظیم ستمدیدگان و استثمار شوندهگان هر روز بیشتر پشتیبانی می‌کنند.

اسماعیل گرامی و عزیز قاسم زاده و دیگر فعالین صنفی - سیاسی باید فوری و بدون هرگونه قید و شرطی آزاد شوند. آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط و فوری خواست عمومی مردم است.

حزب رنجبران ایران ضمن محکوم کردن حکم اسماعیل گرامی و دستگیری عزیز قاسم زاده همراه کلیه حرکت‌های توده‌ای و اعتراضی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی مبارزه می‌کند. ما از خواست محقانه بازنشستگان و معلمان برای تأمین یک زندگی انسانی و افزایش حقوق‌ها، عدم دخالت دین در امور آموزش، تأمین آموزش و تحصیل برای همه و برچیدن مدارس خصوصی و... حمایت کرده و از همه نیروهای انقلابی و مترقی می‌خواهیم که در دفاع از جنبش‌های عدالت طلبانه به گرد آلترناتیو کارگری متحد شویم

پیش بسوی تقویت جنبش بزرگ آلترناتیو کارگری

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است
زنده باد سوسیالیسم
حزب رنجبران ایران

آلبرت انیشتن، چرا سوسیالیسم.... بقیه از صفحه آخر

یغماگرایانه پیشرفت بشری نبوده‌ایم. مشاهدات و داده‌های اقتصادی ما از این مرحله هستند. قوانین اقتصادی نیز، که از این داده‌ها استنتاج میشوند، این فاز یغماگریست و در مراحل بعدی کاربرد نخواهد داشت. و چون هدف اصلی سوسیالیسم غلبه بر و گذار از این فاز یغماگری « در سرپیشرفت بشری است، علم اقتصاد، در حالت کنونی، قادر به روشن ساختن جامعه سوسیالیستی آینده نیست. دوم، سوسیالیسم بسوی آینده ای اجتماعی-اخلاقی نظر دارد. اما علم غایتی را نمی‌آفریند و در مردم هدفی القا نمیکند؛ علم، حداکثر، میتواند ابزار رسیدن به برخی اهداف را تأمین کند. اما خود اهداف را انسانهای آرنخواه خلق میکنند - و اگر این اهداف زنده و پویانه باشند - توسط مردم پذیرفته شده و به پیش برده میشوند؛ مردمی که، نیمه آگاهانه، تکامل تدریجی جامعه را محقق می‌سازند. به این

یک سو و فشار و سرکوب سیاسی و فیزیکی از سوی دیگر یکی از عواملی است که جلوی فرارویی ایده‌های سوسیالیستی را گرفته است ولی به هر رو آنچه که روشن است؛ مسئله هر انقلاب قدرت سیاسی است و در این مفهوم

”سوسیالیسم تنها زمانی تبدیل به نیرو می‌شود که هدف مبارزه‌ی سیاسی طبقه‌ی کارگر شود“
ع.ع

به دفاع از اسماعیل گرامی

اسماعیل گرامی را در بیدگاه‌های ولایت فقیه به شش سال زندان و شلاق محکوم می‌کنند. جرم اسماعیل گرامی ایستادن در صف اول مبارزه برای گرفتن حقوق پایمال شده بازنشستگان ایران است. عزیز قاسم زاده از کانون صنفی معلمان با هجوم ددمنشانه به منزلش بازداشت می‌شود. دشمنی رژیم جمهوری اسلامی بنابر ماهیت طبقاتی و انحصار طلبی‌اش با مخالفان خود، از همان خشت اول بنای نظام، با جنایات و بی‌عدالتی گذاشته شده است و همچنان ادامه دارد. منطق این رژیم ارتجاعی، سرکوب مخالفان با اعدام، زندان، شلاق و شکنجه است و به درستی منطق کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان، دانشجویان مبارزه و مقاومت است. برگزاری پیروزمند اعتراض سراسری معلمان در بیش از چهل شهر با شرکت پر فروغ زنان، متحد و همراه در روز سوم مهر ماه، نشانی از این منطق تاریخی است. حاکمان انحصارگر چنان پندارند که همچنان می‌توانند با سرکوب به حکومت و سلطه خود ادامه دهند. این خیالی باطل است و توهمی است تاریخی که همه سران دیکتاتوری‌ها دچار شده‌اند. اسماعیل گرامی و عزیز قاسم زاده‌ها تنها نیستند، هزاران بازنشسته با آنهاست، معلمان با آنها هستند، میلیون‌ها کارگر پشت و یاور آنهاست. جامعه ایران امروز، نماد مقاومت، سازماندهی و اتحاد است. خیزش‌های بزرگ ۹۶ و ۹۸ سترگ و در میدان و خیابان‌ها گواهی است بر این واقعیت. عملکرد بیش از چهار دهه رژیم جمهوری اسلامی، بعنوان معلم منفی چنان آگاهی مردم را صیقل داده است که نه تنها دیگر از کل نظام عبور کرده‌اند بلکه نه به جمهوری اسلامی را با جایگزینی



مصرفی و کالاهای زیربنایی - قانوناً میتوانند در مالکیت خصوصی افراد باشند. (و غالباً نیز چنین است) من در ادامه بحث، برای سادگی، تمام آنانی را که سهمی در مالکیت ابزار تولید ندارند «کارگر» میخوانم - هر چند که این تعریف با معنی مرسوم این واژه همخوانی کامل ندارد. صاحبان ابزار تولید در موقعیتی هستند که میتوانند نیروی کار کارگر را خریداری کنند. با بهره‌گیری از ابزار تولید، کارگر کالاهای تازه‌ای را تولید میکند که به سرمایه‌دار تعلق میگیرند. نکته کلیدی در این پروسه رابطه میان آنچه که کارگرمی آفریند و آنچه که بعنوان دستمزد دریافت میکند است؛ هر دو سوی این رابطه بر اساس ارزش واقعی اندازه گرفته میشوند. از آنجا که قرارداد کار «آزاد» است، دستمزدی که کارگر دریافت میکند بر اساس ارزش واقعی کالایی که تولید کرده نیست. درآمد کارگر بر اساس حداقل احتیاجش و بر مبنای نیاز سرمایه‌دار به نیروی کار و تعداد کارگرانی که برای کار رقابت میکنند تعیین میشود. درک این نکته بسیار مهم است که حتی در تئوری نیز حقوق کارگر را ارزش محصولی که تولید کرده معین نمیکند. سرمایه خصوصی تمایل به تمرکز در دستهای کمتر و کمتری دارد و این بخشاً بدلیل رقابت میان سرمایه‌داران و بخشاً بدلیل پیشرفت در تکنولوژی و تقسیم کار است. تکنولوژی و تشدید در تقسیم کار واحدهای بزرگتر اقتصادی را در عوض واحدهای کوچکتر تشویق میکند. نتیجه این روند یک الیگارش می‌تواند باشد که سرمایه خصوصی است که قدرت عظیم آن را نمیتوان بطور مؤثرحتی توسط ساختارهای دمکراتیک جامعه کنترل و به آن رسیدگی کرد. این را از آنجا میگویم که اعضای ساختارهای قانونگزار توسط احزاب سیاسی برگزیده میشوند و این احزاب، بنوبه خود، عمدتاً، از جهت مالی یا جهات دیگر، تحت تأثیر و نفوذ سرمایه‌داران خصوصی هستند، که در واقع، رأی دهندگان را از قانونگزار جدا میکنند. نتیجه این است که نمایندگان مردم به اندازه کافی از منافع گروههای محروم جامعه پشتیبانی نمیکند. علاوه بر این، در شرایط موجود، آشکاراست که سرمایه‌داران خصوصی بطور مستقیم یا غیرمستقیم منابع اطلاعات (مطبوعات، رادیو، آموزش) را کنترل میکنند. پس برای شهروند جوامع کنونی بسیار مشکل، و بعضاً غیرممکن است، که به نتایج عینی رسیده و از حقوق سیاسی‌اش هوشمندانه استفاده کند. بدین ترتیب، در اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی

که چگونه میتوان ساختار جامعه و منش فرهنگی انسان را تغییر داد تا زندگی انسان تا آنجا که ممکن است دلپذیرتر گردد، باید از یاد هم نبریم که برخی شرایط معین را نمیتوان اصلاح کرد. همانطور که پیشتر گفته شد، طبیعت زیست‌شناسانه انسان، بطور عملی، قابل تغییر نیست. بعلاوه، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییرات جمعیتی-زیستی در چند قرن اخیر شرایطی بوجود آورده‌اند که ماندگار خواهند بود. در مناطقی با جمعیت متراکم، برای تولید نیازهای اساسی، درجه بالایی از تقسیم کار و ساختار تولیدی متمرکز حیاتی است. آزمون رویایی که افراد یا مجموعه‌های کوچک قادر به خودکفایی بودند مدتهاست که سرآمده. اغراق نخواهد بود اگر ادعا کنیم که هم اکنون نیز بشریت ساختار جهانی تولید و مصرف را بوجود آورده است. با طرح مطالب فوق، اینک به آنجا رسیده‌ام که، بطور موجز، میتوانم آنچه، از دید من، عصاره بحران زمان ما است را بیان کنم. مشکل رابطه فرد با جامعه است. فرد بیش از هر زمانی به وابستگی خود به جامعه آگاه شده است. اما او این وابستگی را بعنوان توشه‌ای مثبت، پیوندی ارگانیک، نیرویی محافظ ارزیابی نمیکند. بلکه آنرا چون تهدیدی به آزادیهای طبیعی خود یا حتی موجودیت اقتصادی چنان است که تمایلات خودخواهانه‌اش برجسته میشوند، درحالیکه خصوصیات اجتماعی او، که ذاتاً ضعیف تر هستند، پیوسته کم‌رنگ و کم‌رنگ تر میشوند. همه انسانها، جدا از موقعیتشان در جامعه، از این پروسه تحلیل رفتن ویژگیهای اجتماعی رنج میبرند. زندانیان نادانسته خودخواهی خود، انسانها احساس ناامنی و تنهایی میکنند و از آن احساس ساده و پیش پا افتاده لذت از زندگی محروم گردیده‌اند. انسان تنها در وقف خود برای جامعه است که به زندگیش (هر چند کوتاه و پرخطر) معنا میدهد. از نظر من، سرچشمه اصلی این معضل، هرج و مرج اقتصادی جامعه سرمایه‌داری، آنگونه که امروز هست، میباشد. ما شاهد گروهی عظیم از تولیدکنندگان هستیم که هر کدام از اعضایش در تلاشی خستگی ناپذیر میکوشد دیگر اعضای این مجموعه را از ثمره کارشان محروم کند. اینکار نیز نه با زور بلکه بر اساس روشهای کاملاً قانونی رقابت آزاد صورت میگیرد. در همین رابطه، باید خاطر نشان کرد که ابزار تولید - یعنی تمام ظرفیت تولیدی لازم برای وجود آوردن کالاهای

فرد خود را در آن میآید، ساختار جامعه‌ای که در آن بزرگ میشود، سنتهای آن جامعه، و سیستم ارزشی آن جامعه. برای هر فرد، مفهوم تجریدی «جامعه» مجموعه روابط مستقیم و غیرمستقیم او با دیگر افراد جامعه و همچنان تمام نسلهای گذشته است. فرد میتواند به تنهایی بیاندیشد، بکوشد، برای خود کار کند؛ اما برای وجود فیزیکی، فکری، و احساسی خود به جامعه وابسته است. «جامعه» است که فراهم آورنده خوراک، پوشاک، کاشانه، ابزار کار، فرم و محتوای اندیشه انسانهاست؛ زندگی انسان با کار و دستاورد میلیونها انسان گذشته و حال میسر میشود. میلیونها انسانی که پشت واژه کوچک «جامعه» پنهانند. بنابراین، بدیهی ست که وابستگی فرد به جامعه واقعی‌ترین طبیعیتست که نمیتوان آن را از میان برد - درست مانند زنبورها و مورچگان. اما، درحالیکه پروسه زندگی مورچه یا زنبور تا کوچکترین جزئیاتش توسط غریزه‌های ارثی و لایتغیر معین شده، الگوی اجتماعی و روابطمان انسانها قابل تغییر هستند. حافظه، قدرت خلق چیزی نو، توانایی سخن گفتن، امکان پیشرفت و رای نیازهای بیولوژیک را برای انسانها ممکن ساخته‌اند. چنین پیشرفتی خود را در سنن، ساختارها، و سازمانها؛ در ادبیات؛ در پیشرفت‌های علوم و مهندسی؛ در آفریده‌های هنری متبلور کرده است. میتوان نتیجه گرفت که انسان با رفتارش میتواند، بنوعی، بر زندگی خود تأثیر گذارد، و در این پروسه اندیشه آگاهانه و خواستن میتواند نقش آفرین باشد. انسان بهنگام تولد سازواره‌ای بیولوژیک را از طریق وراثت بدست می‌آورد که ثابت و غیرقابل تغییر است. این سازواره شامل تمایلات طبیعی است که ویژه نوع انسان است. علاوه بر این، در طول زندگی، انسان سازواره‌ای فرهنگی را نیز از جامعه، از طریق ارتباط با هم‌نوعان خود و دیگر تأثیرات اجتماعی، کسب میکند. این سازواره فرهنگی است که با مرور زمان قابل تغییر است و تا اندازه زیادی واسطه رابطه فرد با جامعه است. انسان شناسی مدرن، با بررسی مقایسه‌ای میان فرهنگهای به اصطلاح ابتدایی، نشان داده است که رفتار اجتماعی انسانها گوناگون و وابسته به الگوهای فرهنگی و ساختارهای حاکم در جامعه است. اینجاست که امید آنها که برای بهبود شرایط جامعه بشری تلاش میکنند نهفته است: انسانها بخاطر سازواره بیولوژیک خود محکوم به نابود کردن یکدیگر و سرنوشتی بیرحم و خودساخته نیستند. اگر از خود پرسیم



گرفتن آب مستأصل هستند. این بازرگانان آب با کلان-مزارع؛ که توسط سازمان‌هایی از قبیل صندوق‌های بازنشستگی کانادایی‌ها مدیریت می‌شوند؛ متحد می‌شوند. آنها اطمینان می‌دهند که آب کافی برای کاشت، داشت و برداشت‌های عظیم بادام، زیتون و از این قبیل موجود است در حالیکه کشاورز و دامدار تولید کننده را که سخت به آب نیاز دارد از آن محروم می‌کنند.

نویسندگان این کتاب یک مدل جدید حکومت برای آب درخواست می‌کنند. مدلی که در آن "ما به عنوان یک جامعه بتوانیم تصمیم بگیریم چگونه آب کمیاب را به بهترین صورت توزیع کنیم که تعادل بین همه ضروریات از قبیل کشاورزی کارآمد، سلامتی رودخانه و قائل شدن حقوق فرهنگی و اقتصادی مردم بومی استرالیا برقرار شود." با در نظر گرفتن منافع مقرر که در بازار آب موجود است و سودهای میلیارد دلاری که آنها می‌برند، شانس اینکه این مدل حکومت آب اتفاق بیافتد ناچیز است. تنها با سرنگون کردن کاپیتالیسم و ظهور سوسیالیسم در استرالیا است که استفاده عادلانه، مساوی و برنامه‌ریزی شده از منابع عمومی مثل آب می‌تواند ضمانت شود. همانطور که از مطالعه کتاب "فروش افسار گسیخته رودخانه" دیده می‌شود، سرمایه‌داری متأخر گنج‌های ملی مانند حوضه آبخیز ماری-دارلین را به نابودی می‌کشاند.

نیست. چنین اقتصادی میتواند با بردگی هم همراه باشد. دستیابی به سوسیالیسم نیازمند حل چندین معضل بسیار دشوار سیاسی-اجتماعی است: با توجه به افزایش درجه تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی، چگونه میتوان از قدرت همه جانبه بوروکراسی جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از حقوق فردی حفاظت کرد و بدین وسیله سنگ موازنه دموکراتیک را در برابر قدرت بوروکراسی تأمین کرد؟ شفافیت درباره اهداف و مشکلات سوسیالیسم، در این عصر گذار، اهمیت فراوان دارد. از آنجا که، در شرایط کنونی، گفتگوی آزاد حول این مسائل به زیرعلامت سئوال سنگینی قرار داده شده، من بنیانگزاری این نشریه را یک خدمت اجتماعی مهم میدانم. (آلبرت اینشتین) این مقاله اولین بار در شماره یکم مجله «بررسی ماهانه» انتشار یافت.

May (Review M 1949)

سیاست کنترل بر آبها در.... بقیه از صفحه آخر

آب شبیه هر کالای دیگری شد. آب یک دارایی مالی شد. در مقایسه با بخش‌های دیگر اقتصاد مانند بانک‌داری و بازرگانی، برای بازی کنندگان بازار آب - بازرگانان و دلانانی که بردن سودهای کلان از معامله آب تمام هدفشان است - قوانین بسیار کمی وضع شده بود. هیچ نیازی نبود که بازرگانان آب هیچ ارتباطی به کشاورزی و دامداری داشته باشند. کشاورزان و دامدارانی که اغلب با شرایط بد آنتی دهی تلفن همراه و اینترنت ضعیف مواجه هستند، برای آب، خودشان را در رقابت با بازرگانی یافتند که با استفاده از ابرکامپیوترها و ربات‌ها تنها در چند ثانیه آب را معامله می‌کنند.

بسیاری از این بازرگانان، بانک‌ها و صندوق‌های تأمینی آمریکایی هستند. نویسندگان این کتاب جزییات اینکه چگونه این انگل‌ها بازار آب را ماهرانه دستکاری می‌کنند، از دوره‌های کم آبی سود می‌برند و کمبود آب ساختگی و مصنوعی خلق می‌کنند را توضیح می‌دهند. آنها سودهای کلان‌شان را از شیریه جان کشاورزانی می‌دوشند که برای آغاز کردن یا پایان دادن به محصولاتشان برای

سرمایه، وضعیت حاکم بر دو پایه اساسی استوار است: یکم، ابزار تولید (سرمایه) در مالکیت خصوصی است و صاحبان آنطور که بخواهند از آن استفاده میکنند؛ دوم: قرارداد کار آزاد است. البته، جامعه سرمایه‌داری ناب وجود ندارد. بویژه، کارگران، در طی مبارزات سیاسی طولانی و دشوار، توانسته‌اند که در برخی رشته‌ها انواع بهتری از «قرارداد آزاد کار» را برای خود بدست آورند. اما، در کل، اقتصاد امروز تفاوت چشم‌گیری هم با سرمایه‌داری ناب ندارد. در سرمایه‌داری، تولید برای سود است و نه برای استفاده. تدارکی دیده نشده که تمام آنها که قادر و مایل به کار هستند بتوانند کار پیدا کنند؛ «ارتش بیکاران» باید همیشه وجود داشته باشد. کارگر در وحشت دائمی از دست دادن کارش است. از آنجا که بیکاری و یا کار کم درآمد زمینه خوبی برای بازار سودآور نیست، تولید کالاهای مصرفی محدود است، و نتیجه کمبود و سختی است. پیشرفت در تکنولوژی به جای آنکه از دشواری کار بکاهد، غالباً به بیکاری می‌انجامد. انگیزه سود، همراه با رقابت میان سرمایه‌داران، باعث بی‌ثباتی در انباشت و بهره‌وری از سرمایه میگردد که منتهی به رکودهای شدید و مکرر میشود. نتیجه رقابت لگام گسیخته اتلاف نیروی کار و آن فلج شدن هوشیاری اجتماعی افراد است که قبلاً از آن سخن گفتم. این فلج شدن را من بزرگترین زیان سرمایه‌داری میدانم. و تمام سیستم آموزشی ما از آن رنج می‌برد. فرهنگ رقابت خارج از اندازه در دانش آموز تزیق میشود، و او را برای زندگی آینده‌اش چنان آماده میکنند که «داشتن» را ستایش کند. من اطمینان دارم که تنها یک راه برای از میان برداشتن این کژی‌های ریشه‌دار وجود دارد و آنهم برقراری یک اقتصاد سوسیالیستی است، همراه با سیستم آموزشی که متمایل به هدفهای اجتماعی باشد. در چنین اقتصادی، ابزار تولید بدست خود جامعه است و با برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار میگیرد. اقتصاد با برنامه، که تولید را بر اساس نیازهای جامعه تنظیم میکند، کار را میان تمام آنان که قادر به انجامش باشند تقسیم میکند و برای همه امکان معیشت را مهیا میکند. سیستم آموزشی، همراه با رشد توانائیهای درونی هر فرد، میکوشد که در او احساس مسئولیت نسبت به هموعش را جایگزین تجلیل از قدرت و موفقیت (که در جامعه کنونی شاهدش هستیم) کند. با وجود این، باید بخاطر داشت که صرف اقتصاد برنامه‌ریزی شده سوسیالیسم

با قدردانی از کمک‌های مالی رفقا و دوستان به حزب، ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که تکیه مالی حزب به اعضا و توداها در پیشبرد مبارزات طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توداها



اطلاعیه سندیکای هفت تپه... بقیه از صفحه آخر

عوامل ضد کارگر را خواهد داشت. کارگران در مراکز و محیط کار با توجه به توان و امکانات خود، ضروری است که تشکلهای مستقل خود را به نیروی جمعی خود ایجاد کنند تا بتوانند در کنار هم و با حضور هر چه بیشتر و گسترده‌تر کارگران به مبارزه در راستای خواسته‌ها و مطالبات خود گام بردارند. تشکلهای کارگری در اشکال متنوع خود بنا بر تصمیم کارگران شکل خواهد گرفت. تشکلهای کارگری با خرد جمعی ایجاد خواهد شد که یکی از رکن‌های آن باید درک منافع طبقاتی کارگران باشد در تقابل با منافع سرمایه‌داران.

تشکلهای مستقل کارگری باید در امر مبارزه، روش‌های سازماندهی و مبارزه را با تصمیم‌گیری جمعی و حضور کارگران اجرایی کنند. حضور جمعی کارگران در تصمیم‌گیری‌ها و درک منافع کارگری، مبارزه برای کسب مطالبات کارگران، بیشتر از نام و عنوان تشکل اهمیت دارد، اما نام و عنوان تشکل هم باید متناسب با محتوا و عملکرد تشکل انتخاب شود.

متاسفانه تا کنون کارگران در ایران موفق نشده‌اند (سرکوب یکی از عوامل اصلی می‌تواند باشد) در ابعاد وسیع تشکلهای مستقل خود را در واحدها و محیط‌های کارگری ایجاد کنند به غیر از دو مورد، سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه. (تشکلهای محیط کار)

کارگران بدون داشتن تشکلهای محیط کار نمیتوانند برای کسب مطالبات به مبارزه متشکل و موثر بپردازند.

کارگران متشکل با سازماندهی میتوانند به مزدهای زیر خطر فقر پایان دهند، لغو خصوصی سازی‌ها و طرحهای پیمانکاری را با شکست روبرو کنند و برای بهبودی شرایط کار و محیط کار، کسب حقوق‌های معوقه، جلوگیری از اخراج و بیکارسازی‌ها و عدم امنیتی شغلی و عدم امنیت محیط کار و بازگشت به کار همکاران اخراجی، خود را سازمان دهند و متحدانه برای رهایی مبارزه کنند.

وجود تشکل یابی متنوع کارگران، حتی در یک واحد کارگری نباید به رقابت میان کارگران تبدیل شود، بلکه حق تمامی کارگران در هر محیط کارگری است که تشکل مطلوب و مستقل خود را ایجاد کنند و برای منافع مشترک خود دست به همکاری و همراهی زده و نیرومندتر در مقابل صاحبان سرمایه و حاکمان

قد علم کرده و برای کسب خواسته‌های خود پای فشارند.

تشکلهای کارگری (تشکلهای مستقل کارگری) رقیب هم دیگر نیستند، بلکه اعضای یک طبقه بزرگ اجتماعی‌اند که با تمرکز به منافع کل طبقه کارگر در مقابل طبقه حاکمه به مبارزه متحد می‌پردازند.

کارگران باید از هر فرصتی برای متشکل و متحد شدن خود استفاده کنند و به جمع شدن و پیشبرد یک حرکت، اعتراض و اعتصاب اکتفا نکنند.

تجمعات، اعتراضات جمعی و اعتصاب را برای ادامه‌دار بودن مبارزه، برای پیگیری فعال خواسته‌ها و مطالبات، باید به ایجاد تشکل گره زد تا بتوانند پیشروی و دست آوردهای خود را تضمین کنند.

کارگران و فعالین کارگری باید آگاهانه در مقابل کسانی که برای منافع گروهی و فرقه‌ای خود، تفرقه را در میان کارگران دامن می‌زنند، محکوم و کوبنده ایستادگی کنند. کارگران نباید بگذارند که جنگ و رقابت گروهی و احزاب که هدفشان استفاده ابزاری از کارگران است، باعث تفرقه در صفوف کارگران بشود.

عدم تشکل یابی کارگران، و پراکندگی کارگران باعث آن شده است که خواسته‌ها و مطالبات بی شمار کارگران پیگیری نشود و صاحبان سرمایه به راحتی به ستم و استثمار خود هم ادامه دهند و هم شرایط را هرروز برای کارگران سخت و سخت‌تر کنند.

متفرق بودن طبقه کارگر فقط به نفع طبقه سرمایه‌دار است.

طبقه کارگر در چندین جبهه باید بجنگد، موفقیت ما اتکا به نیروی خود و سازمانیابی مستقل‌مان است، یاری رسانی به تشکل یابی هر چه بیشتر واحدهای کارگری، همراهی و همکاری به شکل سراسری، برای طبقه کارگر ضروری است. طبقه کارگر در مسیر مبارزه باید تشکلهای مورد نیاز خود را ایجاد کند و در حین همین مبارزه با توجه به شرایط باید بتواند سطوح مختلف سازمانیابی را در دستور کار بگذارد.

تشکل مستقل کارگران بدست خود کارگران و به نیروی کارگران امکان پذیر است.

زنده باد آگاهی طبقاتی کارگران در راستای هرچه بیشتر ایجاد تشکلهای مستقل کارگری در محیط کار.

۱۶ مهر ۱۴۰۰

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراد جمع کنید
سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org
سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com



بجز نوشته‌هایی که با
امضای تحریریه منتشر
می‌گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران
می‌باشد
دیگر نوشته‌های
مندرج در نشریه رنجبار
به امضای فردی
است و مسئولیت آنها با
نویسندگان می‌باشد.



آلبرت انیشتن، چرا سوسیالیسم

پیرواز جهات حقوقی و اقتصادی در موقعیت ممتاز قرار گرفتند. آنان انحصار مالکیت زمین را در دست گرفتند و روحانیون را از میان خود برگزیدند. روحانیون نیز، که کنترل آموزش را در دست داشتند، این تقسیم طبقاتی جامعه را به ساختاری ازلی تبدیل کرده و با تزریق یک سیستم ارزشی در جامعه موجب شدند که مردم از آن پس، ناآگاهانه، در رفتار اجتماعی، آنگونه که لازم بود، هدایت شوند. سنت تاریخی، به بیانی، به دیروز تعلق دارد. اما، ما در هیچ کجا قادر به گذار از این مرحله

حقیقت تفاوت‌های اسلوبی وجود دارند. کشف قوانین عمومی در زمینه اقتصاد، بخاطر اینکه پدیده‌های اقتصادی غالباً تحت تأثیر عوامل بسیاری هستند که ارزیابی جداگانه آنها دشوار است، مشکل میشود. علاوه بر این، تجربه انباشت شده در دوره (به اصطلاح) متمدن تاریخ بشری - چنانکه همه میدانند - تحت تأثیر عللی بوده اند که نمیتوان آنرا تنها اقتصادی دانست. برای نمونه، بیشتر قدرتهای بزرگ در تاریخ وجود خود را مدیون جهانگشایی بوده اند. در کشور مغلوب، مردم

چرا سوسیالیسم؟ آیا، برای کسی که در امور اقتصادی و اجتماعی کارشناس نیست، جایز است درباره سوسیالیسم نظر بدهد؟ من باور دارم که میتواند. به چندین دلیل. بگذارید مسئله را اول از دیدگاه دانش علمی بررسی کنیم. بنظر میآید که تفاوت اساسی اسلوبی میان ستاره شناسی و علم اقتصاد وجود نداشته باشد: هر یک در زمینه خود در پی تبیین قوانین کلی قابل قبول برای گروهی معین از پدیده‌ها هستند تا روابط میان این پدیده‌ها را تا حد ممکن روشن سازند. اما در

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۱۲

سیاست کنترل بر آبها در استرالیا

از اولین روزهای اواخر قرن نوزدهم که طرح و برنامه‌های آبیاری پایه گذاری شدند، مالکیت و کنترل آب عمومی بوده و حقوق آب همواره به مالکیت زمین مرتبط بوده است. در اوایل هزار و نهمصد و نود میلادی، تأثیر گرفته از اقتصاد "بازار آزاد" فریدمن (Friedman) که در استرالیا بازار داغ رقابت و خصوصی سازی را به همراه داشت، حقوق آب از مالکیت زمین جدا شده و تبدیل به چیزی قابل معامله و فروش شدند. در سال ۲۰۰۴، "برنامه ملی آب" بازار آب را به عنوان ابزار اولیه در مدیریت آب مطرح کرد.

بازار آب استرالیا را در دست گرفتند" نوشته اسکات همیلتن (Scott Hamilton) و استوارت کلز (Stuart Kells) منتشر شده در سال ۲۰۲۱ ، کتابی است که تمام علاقه‌مندان به داستان غمبار حوضه آبخیز ماری-دارلین (Murray-Darling Basin) باید بخوانند. نویسندگان این کتاب می گویند چگونه با ارزشترین منبع آبی استرالیا به قیمت زیان و ضرر کشاورزان و دامداران، دیگر ساکنان مناطق آبیاری، مردم بومی استرالیا و محیط زیست به دلالت تقدیم شد.

در دوران سرمایه داری همه چیز به کالا تبدیل می شود، مقاله زیر که از سایت حزب کمونیست (مارکسیست - لنینست) استرالیا ترجمه شده است، حاکی از ورود سرمایه به بازار آب استرالیا جهت کنترل و سود آوری آن است در حالیکه آب های هر سرزمینی ثروت عمومی محسوب می شوند. مقاله زیر رفتاری که دولت استرالیا با مسئله آب می کند را زیر سؤال و پرس و جو قرار می دهد. اما نتیجه یکی است "فروش افسار گسیخته رودخانه؛ چگونه رابر بارنز (Robber Barons) و سوداگران وال استریت

اطلاعیه سندیکای هفت تپه

یابی کارگران ایجاد میکنند. از طرف دیگر با ایجاد تشکل های وابسته (حکومتی) و تحت نفوذ عوامل سرمایه، مبارزه و خواسته‌های کارگران را به کجراه می برند و یا اعتراضات کارگری را مهار و به نفع حاکمان و صاحبان سرمایه سمت و سو میدهند. طبقه کارگر تنها با اتحاد و داشتن آگاهی طبقاتی از منافع خود در همبستگی و متشکل شدن است که توان مقابله با تمام توطئه‌های

متن کامل بیانیه برتری دانست یک نوع معین تجمع و یا تشکل یابی در مقابل اشکال دیگر تشکل یابی مستقل کارگران، با سنت کارگران و مبارزه کارگران غریبه است! ما در جامعه‌ای زندگی می کنیم که حق تشکل یابی مستقل را جرم و امنیتی میدانند و سرکوب تشکل‌های مستقل را در دستور دارند و با تمام توان، موانعی در مقابل ایجاد تشکل

سندیکای کارگران هفت تپه: تشکل یابی مستقل کارگران اساس اتحاد کارگران است! مهر ۱۶، ۱۴۰۰



سندیکای کارگران شرکت
کشت و صنعت
نیشکر هفت تپه

بقیه در صفحه ۱۳

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غرّفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org